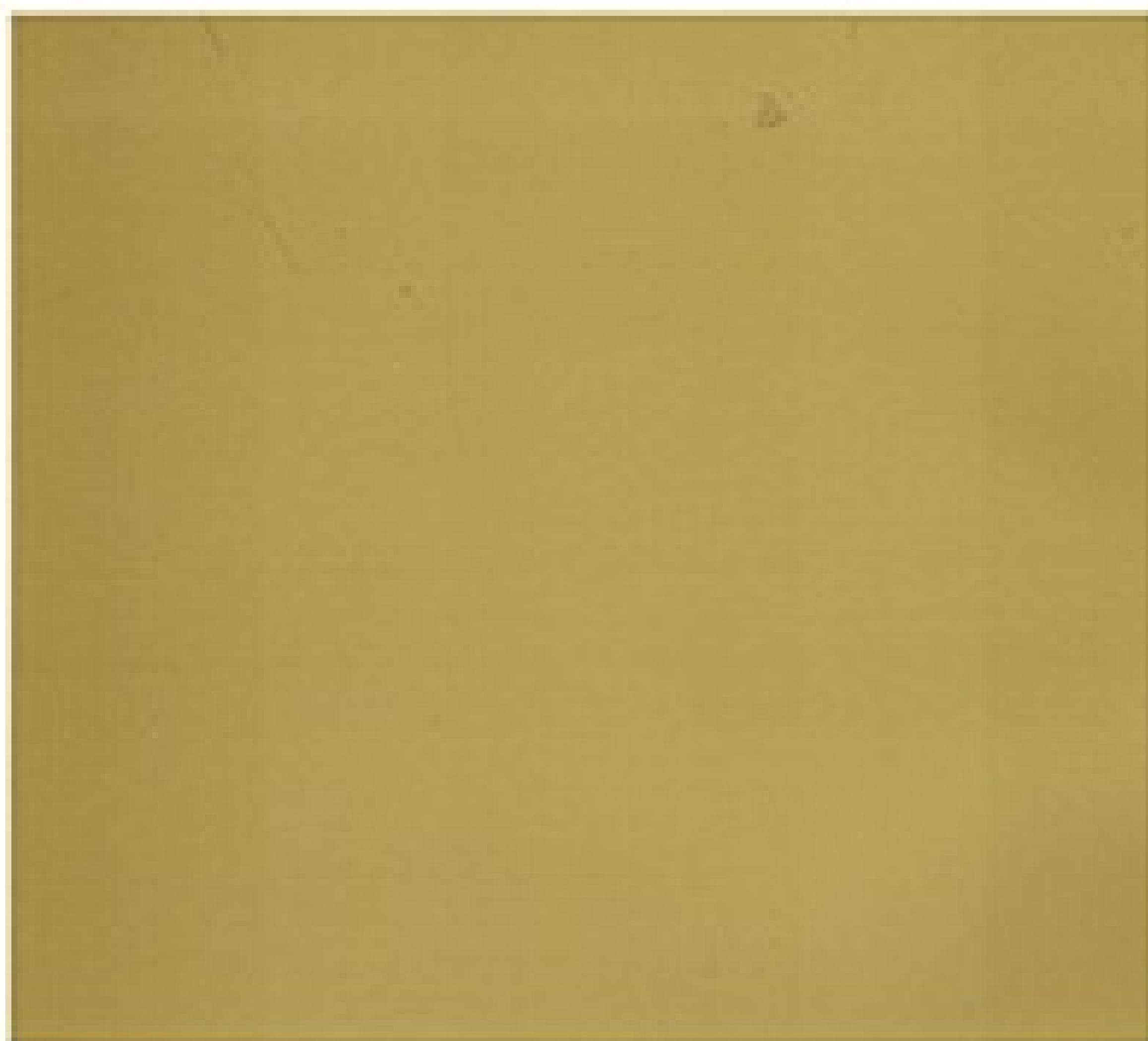


مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

الگوشناسی

حسین محمدی‌زاده



بسم الله الرحمن الرحیم

الگوشناسی

نویسنده:

حسین مهدی زاده

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

الگوشناسی

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدی زاده، حسین

عنوان و نام پدیدآور : "الگوشناسی"/ حسین مهدی زاده؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایارن، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۹۲ ص.

شابک : ۶۰۰۰ ریال:۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴۰۶۶۱

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی توصیفی

یادداشت : کتابنامه:ص. [۸۹] - ۹۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی.

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۵۲۶۹۵

ص :۱

دیباچه

دیباچه

الگوپـذیری، امری ضـروری، بایسـته و سودمنـد است و آدمی نیز به اقتضـای طبیعت خود، به دنبال الگویابی است. البته جوانان تحت تـأثیر حس کمـال جویی، در این زمینه، نیـاز بیشتری احساس می کننـد. اسوه ها و الگوها چون معیارها و ملاک ها را در اختیار می گذارند، دارای ارزش و اهمیت فوق العاده ای هسـتند. جایگاه الگوی عملی در مکتب الهی به قدری برجسـته اسـت که خداونـد در طول تاریـخ برای هـدایت هر قوم و گروهی، الگویی عملی به عنوان پیامبر و امام به سوی شان فرسـتاده است تا مردم را هـدایت و راهنمـایی کننـد. گرایش جوانان به سوی الگوهای شایسـته، افکارشان را منظم می سازد. در این صورت، با همانـنـدسازی می کوشـند تـا از خود نیز شخصـیتی برتر سازنـد. هرچنـد پیروی از این الگوهـا، توان بالقوه و اسـتعدادهای نهفته جوانان را نیرومند می کند، ولی پیروی از الگوها نیز ویژگی ها و شـرایط خاصـی دارد. پیروی از الگوهای ناسالم، آسـیب های جبران ناپـذیری به همراه می آورد. بنابراین، نمی توان درصـدد پیروی از نمونه هایی بود که درهای سـلامت دنیوی و سـعادت اخروی را بر روی آدمی می بندنـد و او را بـه گمراهی می کشاننـد. در میـان الگوسـازان، نقش مـؤثر رسـانه بر کسـی پوشـیده نیست. رسـانه برای تحقق اهـداف خود در این راسـتا، به آگاهی از کم و کیف الگویابی، الگوپـذیری و فرهنگ سازی در این راستا نیاز دارد. برای تحقق این مهم و با توجه به آگاهی از ضرورت و آثار پیروی از الگوها، پژوهشگر ارجمند حجت الاسلام والمسلمین حسین مهدی زاده، کوشیده

است تـا در این نوشـتار، مفهوم شناسـی، اثر گـذاری الگوهـا، آسـیب شناسـی تقلیـد از الگوها و راهکارهای مقابله با آفت های الگوهـا را بررسـی کنـد. ولی شـیرازه کـار خود را بـا بخش همراه بـا برنامه سازان به پایان رسانـده و محصول کار را ره توشـه اصحاب رسانه ساخته است. با امید به بهره گیری بهینه از این مجموعه، امید داریم با معرفی در خور توجه الگوهای شایسته و با هـدایت و راهنمایی مخاطبان به ویژه جوانان، همکاران ارجمند بتوانند بیش از پیش فرهنگ نبوی را در جامعه اسـلامی نهادینه سازند.

انّه ولیّ التوفیق اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

بی شک، انسان های معمولی و غیر معصوم، در بسیاری از رفتارهای خود، دستخوش افراط و تفریط می شوند و از مسیر اعتدال خارج می گردند. از آنجا که تقلید و پیروی از دیگران یکی از رفتارهای انسانی است، پس طبیعی است که افراط و تفریط در پیروی از الگوها نیز رخ دهد. بنابراین، تقلید می تواند دو حدّ تفریطی و افراطی داشته باشد.

حد تفریط تقلید، تک روی و خودپیروی است. تک روی به این معنا است که فرد از پذیرش هر نوع الگویی سر باز زند و خود را امام خویش بداند. اگر در تربیت دینی، افراد بخواهند خود، راهبر خویش باشند، قدم در یکی از لغزشگاه های تربیت دینی نهاده اند. چنین پیشآمدی در تربیت غیردینی دور از انتظار نیست. در تربیت غیردینی با تکیه بر مبنای اصالت انسان و انسان محوری (اومانیسم)، استقلال یا خود پیروی را هدف اساسی تربیت در نظر می گیرند؛ به این معنا که انسان تنها با تکیه بر عقل خویش، راه خود را هموار می سازد. آیا چنین امری در تربیت دینی امکان دارد؟

تحقق این امر در گرو آن است که کسی با پذیرش ضرورت وجود دین برای انسان، الگو و امام را متعلق و محدود به دورانی بداند که انسان ها به بلوغ فکری و روحی نرسیده بودند و ناگزیر باید سرمشقی می داشتند. اکنون با فرض اینکه چنین بلوغی فراهم آمده است، به چنین سرمشقی نیاز نیست؛ یعنی خود فرد می تواند بدون کمک دیگری، آموزه های دینی را در زندگی خویش به کار گیرد. هواداران این نظریه از این غافل شده اند که معیارها و ملاک ها نه تنها جای گزین الگوها و اسوه ها نیستند، بلکه تربیت شونده در روند تربیت، از الگوها به عنوان تجسم بخش عینی

معیارها اثر می پذیرد. بنابراین، وجود آنها ضروری است.

در مقابل حد تفریطی تک روی، حد افراطی پیروی بی چون و چرا از قهرمان ها و شخصیت ها است که به شخصیت گرایی و قهرمان پرستی می انجامد. پیداست که این حالت نیز یکی از لغزش های مهم تربیت دینی به شمار می رود.(۱)

حد میانه و اعتدال دو طرف تک روی و شخصیت گرایی، تقلید و الگوپردازی آگاهانه و مطلوب است که به نظر می رسد تبیین نادرست آن به آسیب های گوناگونی از جمله سقوط آدمی در دو ورطه افراط و تفریط می انجامد. باید گفت در زمینه تقلید و الگوپردازی شایسته و آگاهانه، آموزه های اسلامی فراوانی وجود دارد که بیان نشده است. بنابراین، با توجه به اهمیت تقلید و الگوپردازی شایسته، برآنیم تا گوشه هایی از این موضوع را بررسی کنیم.

اصل تقلید و الگوپذیری آگاهانه و مطلوب از اسوه ها، در زندگی همه انسان ها بسیار مهم است. به همین دلیل، در علوم گوناگونی همچون روان شناسی یادگیری، روان شناسی اجتماعی و تعلیم و تربیت درباره آن بحث می شود. الگوپذیری تمام گستره عمر انسان را فرا می گیرد، ولی با این حال، چون دوران جوانی، دوره اصلی شکل گیری شخصیت انسان است، الگوپذیری در این دوره اهمیت بیشتری دارد. بدون تردید، در زمان حاضر، به دلیل هجوم گسترده فرهنگ غرب به جوامع اسلامی و ترویج الگوهای آن در میان جوانان، اهمیت موضوع یاد شده دو چندان می شود.

از منظرهای گوناگونی درباره موضوع تقلید از الگوها می توان سخن گفت. از آنجا که بیشتر جوانان جامعه ما به آموزه های وحیانی اسلام پای بندند و در منابع

۱- برای آگاهی بیشتر از دو حدّ افراطی و تفریطی الگوبرداری نک: خسرو باقری، مقاله «آسیب و سلامت در تربیت دینی»، کتاب ششم تربیت اسلامی ویژه آسیب شناسی تربیت دینی، تهران، نشر تربیت اسلامی، ۱۳۸۰، چ ۱.

اسلامی نیز آموزه های نورانی بسیاری در زمینه تقلید از الگوها وجود دارد، در این نوشتار می کوشیم این موضوع را با نگاهی به منابع قرآنی و حدیثی و از منظر آموزه های اسلامی بررسی کنیم. البته در موارد لازم، از نظریه های دانشمندان اسلامی، کارشناسان روان شناسی و تعلیم و تربیت نیز بهره گرفته ایم تا با بیان مثال هایی عینی و ارائه پیشنهادهای عملی، این پژوهش جنبه کاربردی به خود بگیرد.(۱)

پرسش اصلی پژوهش این است که آموزه های اسلامی درباره تقلید از الگوها چیست؟

پرسش های فرعی این پژوهش نیز عبارتند از:

۱. مفهوم واژه های الگو و تقلید چیست؟

۲. اهمیت، ضرورت و سودمندی تقلید و الگوپذیری شایسته از اسوه ها در چیست؟

۳. مرز اثر گذاری الگو تا کجاست؟

۴. آفت های تقلید از الگوها کدامند؟

۵. راه کارهای مقابله با آفت های تقلید از الگوها چیست؟

۱- گفتنی است هنگام نقل گفته های دیگران، برای روان تر شدن جمله ها، در بیشتر موارد، دخل و تصرف های جزئی صورت گرفته است.

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. مفهوم شناسی

۲. ضرورت وجود الگوها

۳. شرایط کلی الگوها

۱. مفهوم شناسی

اشاره

۱. مفهوم شناسی

زیر فصل ها

الف) الگو

ب) تقلید

الف) الگو

الف) الگو

منظور از الگو، نمونه عینی و مشهود یک اندیشه و عمل در جنبه های گوناگون است که دیگران برای رسیدن به کمال، از آن پیروی می کنند. ناگفته نماند واژه های امام، اسوه، قدوه، هادی، دلیل، حجت، مدل، نمونه، مثال و سرمشق که در متون اسلامی یا رشته تعلیم و تربیت و روان شناسی به کار می روند، تقریبا به معنای الگو، شبیهند.

ب) تقلید

ب) تقلید

از آنجا که الگوشناسی و الگوگزینی همواره با تقلید همراه است، باید با مفهوم تقلید نیز آشنا شویم. مراد از تقلید، پیروی کردن و همانندسازی با دیگران است.(۱) در برخی کتاب های روان شناسی،(۲) تقلید این گونه تعریف شده است: «تولید

مجدد و

۱- در متون اسلامی افزون بر واژه تقلید، واژه های «تشبیه» و «مشاکله» نیز به معنای همانند سازی به کار رفته است.

۲- برای آگاهی از دیدگاه های روان شناسان درباره تقلید و همانندسازی نک: الف) آلبرت باندورا، نظریه یادگیری اجتماعی، ترجمه: فرهاد ماهر، شیراز، راهگشا، ۱۳۷۲، چ ۱. ب) اتوکلاین برگ، روان شناسی اجتماعی، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۷۰، چ ۱۰. ج) جی آلن مارلت و مارتا آ.پری، روان شناسی تقلید (روش های الگوگزینی)، ترجمه: سیامک رضامهجور، پروین غیاثی جهرمی، شیراز، راهگشا، ۱۳۷۰، چ ۱. د) محمود منصور، روان شناسی ژنتیک: تحول روانی از کودکی تا پیری، تهران، نشر ترمه، چ ۶، صص ۱۹۵ _ ۲۰۴.

فعال کیفیت و خصوصیات ادراک شده رفتار موجود دیگر.»(۱) در متون اسلامی نیز واژه های تبعیت، اقتدا، اطاعت، انقیاد و امتثال، بیشتر در معانی نزدیک به معنای تقلید به کار می روند.

به باور گروهی از روان شناسان، تقلید و الگوپذیری به معنای عام دارای سه مرحله است:

یک _ محاکات (تقلید ناآگاهانه که از تولد تا دوسالگی است)

تقلید ناآگاهانه و بدون هرگونه اندیشه و تشخیص را محاکات گویند. برای مثال، وقتی کودک چند ماه اطرافیان خود را خندان ببیند، بدون اینکه خنده آنان را تفسیر کرده باشد، با تقلید ناآگاهانه از آنان می خندد.

دو _ تقلید به معنی خاص (تقلید نیمه آگاهانه که از ۲ تا ۷ سالگی است)

این نوع تقلید، الگوبرداری نیمه آگاهانه از رفتار دیگران است. در این تقلید بچه گانه، عنصر آگاهی و هدف داری وجود دارد، ولی با حضوری کم رنگ و اندک. برای نمونه، کودک سه ساله ای تنها برای شبیه سازی خود با اطرافیان، از رفتار ایشان

۱- محمود منصور، روان شناسی ژنتیک: تحول روانی از کودکی تا پیری، ص ۲۴۹. تقلید در علوم مختلف، معانی متفاوتی دارد. مثلاً_ تقلید در علم فقه به معنای عمل مستند به فتوای فقیه است. بنابراین، معنای آن غیر از معنای تقلید در علم روان شناسی است. مراد از تقلید در این پژوهش بیشتر همان معنای تقلید در علم روان شناسی است.

تقلید می کند، بدون آنکه قصد و هدف آن رفتار را درک کرده باشد.

سه _ اقتباس (تقلید آگاهانه که از ۷ سالگی به بعد است)

تکرار رفتار دیگری با آگاهی کافی از کار او را اقتباس گویند. این نوع تقلید، عالی ترین مرتبه تقلید است و کاملاً آگاهانه و هدف دار و از روی علم و قصد صورت می گیرد. همانند نوجوان یا جوانی که از میان رفتارهای اطرافیان، آن را که بهتر می یابد، برمی گزیند و برای این گزینش، دلیل هم می آورد.(۱) این نوع تقلید که بیشتر به جوانان و بزرگسالان مربوط است، در امور اعتباری و آداب و رسوم و با هدف هم خوانی با محیط و هم رنگ شدن با دیگران رخ می دهد.

«وقتی تقلید، مستقیم صورت می گیرد، باید آن را وسیله نیل به هدفی شمرد و اگر کسی تقلید می کند، برای آن است که به عمل تقلید شده یا دیگری که این عمل را انجام داده است، ارج می نهد یا عمل تقلید شده را راه حل مسئله ای می پندارد».(۲)

پس از پایان جام جهانی فوتبال ۲۰۰۲، تصویری از جوانان یکی از فقیرترین کشورهای جهان؛ یعنی بنگلادش بر صفحه روزنامه ها نقش بست که جلو آرایشگاه محقری صف کشیده بودند تا موهای خود را به سبک رونالدو(۳) اصلاح کنند. درون آرایشگاه هم عکسی از رونالدو دیده می شد. جوانی نیز که به سبک رونالدو، کاکلی جلو سر گذاشته و بقیه مویش را تراشیده بود، با لبخندی غرورآمیز در آرایشگاه حضور داشت.(۴)

ص: ۱۱

۱- همان، صص ۱۹۵ _ ۲۰۴؛ محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، چ ۲، صص ۲۱۲ و ۲۱۳.

۲- اتوکلاین برگ، روان شناسی اجتماعی، ج ۲، ص ۴۹۴.

۳- یکی از معروف ترین ستاره های برزیلی فوتبال.

۴- فرید فدایی، مقاله «روان شناسی فوتبال حرفه ای»، روزنامه کیهان، ۸/۵/۱۳۸۱، ص ۷.

شاهد یاد شده، نمونه روشنی از روحیه قهرمان گرایی انسان ها، به ویژه جوانان است. قهرمان گرایی، یکی از جلوه های روانی است که در سرشت اولیه بشر به ویژه جوانان نهاده شده است. بشر همواره گم شده ای را جست وجو می کند؛ قهرمانیِ پرشکوه و جلال و پیشوایی در خور ستایش. اصولاً قهرمان جویی را یکی از اعتبارهای اصیل روانی انسان دانسته اند که به طور مستقیم، زاییده نیاز انسان به رهبری است. جوان همواره در پی آفرینش قهرمان است. پس حتی اگر به آن دست نیابد، در عالم رؤیا، چنان قهرمانی را الگوی رفتار خویش قرار می دهد و از اندیشه، رفتار، گفتار و شیوه پوشش وی الهام می گیرد.

به راستی قهرمان کیست؟ قهرمان یا ابَرمرد یا شخصیت برتر، فردی است که در به دست آوردن فضایل یا مهارت های گوناگون، گوی سبقت را از دیگران ربوده است. قهرمان در هر فرهنگ و نظام ارزشی، اسطوره عینی و مجسمه آرمان های آن جامعه است. افراد در وجود قهرمانان به دنبال جنبه های انسانی، آرمان ها و اسطوره های خویش هستند و آنها را مدل فرهنگی و الگوی رفتار و منش خود می شمارند. قهرمان یک ملت، ارزش های حاکم بر جامعه اش را در حدّ عالی در خود پرورش داده و به تجسّم نظام ارزشی جامعه تبدیل شده است. برای مثال، ابراهیم علیه السلام را قهرمان توحید می دانیم؛ چون ارزش ها و آرمان های همه خداجویان را در رفتار خود تحقق بخشیده بود.(۱) پیداست که پیروی و تقلید مطلوب از قهرمانان باید بر اساس رعایت ملاک ها و وجود برخی شرایط در آنها باشد تا با پیروی از آنها، جوانان در مسیر کمال قرار گیرند. از برخی شرایط، در آینده سخن می گوییم.

۱- مصطفی عباسی مقدم، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، چ ۱، صص ۶۵ _ ۶۷ .

۲. ضرورت وجود الگوها

۲. ضرورت وجود الگوها

از نظر تـاریخی، گابریل تارد، بیش از دیگر اندیشـمندان، مفهوم تقلیـد را در زمینه روان شناسـی اجتماعی به کار برده است. به باور وی، «تقلید، یک واقعه اجتماعی اساسـی است و قوانینی وجود دارد که طبیعت و اثر تقلید را تشـریح و توصـیف می کنند. تحول اجتماعی نیز از این نظر ممکن است که افراد از آنچه تازه و خیره کننـده است، تقلیـد کنند؛ یعنی جامعه بدون تقلید قابل تصور نیست».(۱)

جـامعه بـدون تقلیـد از این نظر قابل تصور نیست که افراد جامعه نیازمنـدی هایی دارنـد که برای برآوردن بخش زیادی از آنها باید به کارشناسان رشته های گوناگون روی آورند. بدیهی است هیچ یک از انسان ها نمی توانند در همه رشته ها به تخصص و مهارت دست یابند و از تقلید بی نیاز شوند. علامه طباطبایی رحمه الله با توجه به ضـرورت و نیاز زندگی اجتماعی به تقلید و پیروی انسان های نامتخصـص از کارشـناسان می گویـد: «کسـی که می پنـدارد در زنـدگی خود زیر بار تقلیـد نرفته و نخواهد رفت، با یک پندار دروغین و خنده دار، خود را فریب می دهد».(۲)

اکنون پرسـش مهم این است که چرا انسـان به تقلیـد و الگوپـذیری نیازمنـد است؟ چرا جوانـان بیش از دیگران چنین نیازی را احساس می کننـد؟ نخستین پاسـخی که به نظر می رسـد، این است که ویژگی کمال گرایی آدمی، او را از درون به حرکت وا می دارد تا خود را به کسانی که مظهر کمال اخلاقی هستند، نزدیک و صفات آنها را

۱- روان شناسی اجتماعی، ج ۲، ص ۴۹۴.

۲- سید محمدحسین طباطبایی رحمه الله، مقاله «اجتهاد و تقلید در اسلام و شیعه» در کتاب مرجعیت و روحانیت، ص ۲۰. شبیه این تعبیر را علامه در تفسیر المیزان نیز دارد: «استحال ان یوجد فرد من الانسان من غیر اتّباع و من ادّعی خلاف ذلک او ظن من نفسه انّه غیر مقلّد فی حیوته فقد سفه نفسه». المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۱۲.

اقتباس کند. از سوی دیگر، زندگی دربردارنده قواعدی است که جوانان می خواهند آنها را بیاموزند و از بهترین رفتارها پیروی کنند تا بتوانند به شخصیت مرد یا زن کامل دست یابند.(۱)

جوان تحت تأثیر حس کمال جویی که در فطرت و سرشت او نهفته است، به پیروی از انسان هایی راضی می شود که درجه های بیشتری از کمال را پشت سر نهاده و وجود خویش را به فضایل و صفات پسندیده بیشتری آراسته اند. انسان در هر سنی به ویژه جوانی، کمال گرا و ترقی خواه است. بنابراین، به عواملی که سبب رشد و شکوفایی این ویژگی شوند، اهمیت می دهد. از مهم ترین این عوامل، الگوها و قهرمانانی هستند که مراحلی از کمال و منزلگاه هایی از جاده رشد را پیموده باشند؛ چون با توجه به همسانی نسبی امکانات و استعدادهای افراد مختلف، انسان می داند که در او نیز امکان دست یابی به آن درجه ها وجود دارد. پس قدم در راه آنها می نهد و به پیش می رود.(۲)

همان گونه که اگر وسایلی همچون متر، ترازو، عدد، ساعت و دماسنج را از اجتماع انسانی بگیرند، زندگی، دشوار و رنج آور می شود و انسان ها در عادی ترین مسائل زندگی سرگردان خواهند شد. همچنین اگر الگوهای انسانی مناسب برای افراد بشر وجود نداشته باشد، جامعه در ابهام و سرگردانی به سر خواهد برد. در آن صورت، برای سنجش میزان رشد شجاعت، ترس، سخاوت، انصاف، عدالت، علم، فضیلت، تقوا و دیگر صفات عالی و دانی چه باید کرد؟(۳)

بنابراین، باید الگوهای کامل انسانی وجود داشته باشد تا بتوان بر اساس آنها

۱- محمدرضا شرفی، جوان و نیروی چهارم زندگی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۲۳.
۲- نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، ص ۵۹.
۳- همان، ص ۷۳.

دربـاره رفتـار انسان داوری کرد. چنین الگوها و اسوه های انسانی، همچون پیامبران، ائمه و اولیای الهی در طول تاریـخ همواره وجود داشـته و دارنـد. اگر انسان خود را با آنها به عنوان افرادی که به معیارهای انسانی آراسـته اند، مقایسه کند، به چگونگی کار خود پی خواهد برد.

اسوه هـا و الگوها چون معیارها و ملاک ها را در اختیار آدمی می گذارنـد، ارزش و اهمیت دارنـد. با این حال، صـرف وجود معیارهـا و ملاک ها، انسان را از وجود اسوه ها و الگوها بی نیاز نمی کنـد. الگو نسـبت به معیارِ صـرف، این برتری را دارد که تحقق معیارها را در موجود انسانی نشان می دهد. بنابراین، اگر کسـی معیارها را بشناسد، این امر، او را از مزیت مشاهده تحقق آنها بی نیاز نمی کنـد. برای مثال، ممکن است کسـی معیارهای شـعر و شاعری را به خوبی خوانده و دریافته باشد، با این حال، شـاگردی کردن در محضـر شـاعری برجسـته و دیـدن آن معیارهـا در کـار و کردار وی به ویژه از منظر تعلیم و تربیت، فرصتی است که هرگز نمی تـوان از آن صـرف نظر کرد. بر این اسـاس، الگـوی عملی در جریـان تعلیم و تربیت، جایگـاهی اساسـی و حذف ناشدنی دارد.(۱)

جایگاه اساسـی الگوی عملی در مکتب های الهی که رسالت اصـلی آنها تعلیم و تربیت انسان است، به قدری برجسته است که خداونـد در طول تاریخ برای هدایت هر قوم و گروهی، الگویی عملی به عنوان پیامبر و امام فرسـتاده است تا مردم را هدایت و راهنمایی کند.

عملی ترین و پیروزمنـدانه ترین وسـیله تربیت، تربیت کردن با توجه به نمونه ای عملی و زنـده است. نوشـتن کتابی در موضوع تربیت آسان به نظر می رسد. همچنین

۱- خسرو باقری، آسیب و سلامت در تربیت دینی، کتاب ششم تربیت اسلامی ویژه آسیب شناسی تربیت دینی، ص ۳۴.

ترسیم یک نقشه خیالی ـ اگرچه کامل و همه جانبه باشد ـ ، آسان تر است. با این حال، این نقشه تا هنگامی که به حقیقت واقعی و مصداق عینی تبدیل نشود و بیانگر رفتار و درک بشر نباشد، مرکّبی بر کاغذ و نقشه ای معلق در فضا خواهد بود و بس. پروردگار بزرگ طرح و نقشه تربیت الهی را در قرآن بیان کرده است تا بشر آن را به کار بندد و به حقیقت واقعی تبدیل کند. این گونه بود که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت تا سرمشقی برای جهانیان باشد.(۱) به گفته قرآن مجید، هر قومی، امام و هدایت گری دارد.(۲) قرآن همچنین دست یابی به مقام امامت و پیشوایی و اسوه شدن را ارزش و آرمان معرفی می کند. خداوند، زبان حال انسان های آرمان خواه را این گونه نقل کرده است:

وَ الَّذینَ یَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیّاتِنا قُرَّهَ أَعْیُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقینَ إِمامًا. (فرقان: ۷۴)

آنان افرادی هستند که هنگام دعا با خدای خود گویند: پروردگارا، ما را از جفتمان، فرزندانی مرحمت فرما که مایه چشم روشنی ما باشند و ما را پیشوای پرهیزکاران قرار ده.

امام علی علیه السلام، بهترین مفسر قرآن نیز ضرورت وجود امام را چنین بیان می کند:

أَلا وَ إنَّ لِکلِّ مأمُومٍ إمَاما یَقْتَدِی بِهِ وَ یَسْتَضِیءُ بِنُورِ عِلْمِه.(۳)

همانا برای هر اقتدا کننده ای، امامی است که به آن اقتدا می کند و از نور دانش وی نورانیت می طلبد.

۱- محمد قطب، روش تربیتی اسلام، ترجمه: سیدمحمد مهدی جعفری، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۳، چ ۲، ص ۲۴۴.
۲- رعد: ۷: «لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» و اسراء: ۷۱: «یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ».
۳- نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، ص ۴۱۷.

در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

ای اباحمزه! هر یک از شما اگر بخواهد چند فرسخ روی زمین راه برود، برای خودش، راهنما می خواهد، در حالی که نسبت به راه های ملکوتی آسمان جاهل تر هستی. پس در زمینه هدایت معنوی خود نیز راهنمایی بجوی.(۱)

طبق این روایت، نیازمندی به راهنما و الگو برای هدایت، امری ضروری است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در روایت دیگری، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را الگو و اسوه امت معرفی می کند و به دیگران دستور پیروی از ایشان را می دهد:

رسول خدا صلی الله علیه و آله حتما برای الگوی تو کافی است. پس از پیامبر پاک تر خود پیروی کن. همانا او الگوی هر فردی است که نیازمند الگو است.(۲)

افزون بر این می فرماید: «وَ اقْتَدُوا بِهُدی نَبِیِّکُم فَإنَّه أَفْضَلُ الْهُدی؛ از هدایت پیامبرتان پیروی کنید. به درستی که هدایت او برترین هدایت است».(۳)

امام علی علیه السلام نیز خود جزو نخستین عمل کنندگان به این روایت است:

من بسان بچه ناقه ای که به دنبال مادر خود می رود، به دنبال پیامبر می رفتم. او هر روز یکی از فضایل اخلاقی خود را به من می آموخت و به من دستور می داد که از آن پیروی کنم.(۴)

اکنون که ائمه معصومین علیهم السلام در میان ما حضور مستقیم ندارند، می توانیم از

۱- کلینی، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، چ ۴، ج ۱، کتاب الحجه، باب هفتم، ح ۱۰.

۲- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۶۰.

۳- همان، ص ۱۶۳.

۴- نهج البلاغه، ترجمه: محمد عبده، چ ۲، ج ۲، ص ۱۸۲.

لابه لای احادیث و سنت بر جای مانده از ایشان و تاریخ زندگانی آن بزرگان، روش و منش ائمه اطهار علیهم السلام را بشناسیم و از آنها پیروی کنیم.(۱)

به دلیل برخورداری مداوم حضرت علی علیه السلام از تربیت الگویی همچون پیامبر اسلام است که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، دوران جوانی امیرمؤمنان، برای بهترین جوان های همه زمان ها، برترین الگو به شمار می رود:

شما امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان یک جوان ۱۶ تا ۱۹ ساله در مکه، یا اوایل ورود به مدینه _ که باز هم این بزرگوار، یک جوان بیست و چند ساله است _ در نظر بگیرید. در دوره های مختلف عمر این بزرگوار نگاه کنید. ببینید این جوان، حقیقتا بهترین جوان های همه زمان ها و برترین الگوست. از شهوات جوانی، لذات دنیایی، زیبایی هایی که در نظر جوان ها ارزش پیدا می کند، هیچ نمی خواهد مگر آن هدف عالی و والایی که بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله به خاطر آن هدف است.(۲)

در روایتی از امام باقر علیه السلام، ضرورت وجود الگو در جامعه این گونه بیان شده است:

ای محمد (محمد بن مسلم)! به خدا سوگند، هر فردی از این امت که بدون امام و الگویی از ناحیه خدا _ امام و الگویی که ظاهر و آشکار و عادل باشد _ صبح کند، در حال گمراهی و سرگردانی صبح کرده است و اگر در این حالتِ بدون امام و الگو بمیرد، در حال کفر و نفاق مرده

۱- محمدتقی مصباح یزدی، نقش تقلید در زندگی انسان، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینیره، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۸۱.
۲- امیرحسین بانکی پور فرد و احمد قماشچی، کودک، نوجوان و جوان از دیدگاه مقام معظم رهبری، نشر تربیت اسلامی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۱۱۷.

است.(۱)

نکته مهم در این روایت، وجود کلمه «ظاهرا» است(۲) که به ضرورت وجود امام و الگویی عملی اشاره دارد که در معرض دید اقتداکنندگان باشد.

اهمیت الگوسازی برای رفتارهای عملی امت تا آنجاست که پس از رحلت پیامبر اسلام، همواره امامان شیعه به این مهم توجه داشته اند. در دوران غیبت امام معصوم علیهم السلام نیز با رجوع دادن مردم به مرجع تقلید در انجام احکام دینی این ساز و کار نهادینه شده است. امام باقر علیه السلام در راستای الگوسازی برای امت اسلامی، خطاب به ابان بن تغلب که در زمینه مسائل فقهی تخصص داشت، می فرماید:

در مسجد مدینه بنشین و درباره مسائل شرعی مردم فتوا بده. من دوست دارم افرادی مثل تو در میان شیعیان من دیده شوند.(۳)

نکته ظریف در این روایت، واژه «یُری» است که به یادگیری غیرمستقیم و مشاهده ای از الگو اشاره دارد.

در روایت دیگری معصوم دستور می دهد که با عمل و رفتارتان الگوی دیگران باشید و آنان را به سوی حق دعوت کنید:

۱- اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجه باب فیمن دان الله عزوجل بغیر امام من الله عزوجل، ص ۳۷۵، ح ۲.

۲- در روایت معروف امام موسی کاظم علیه السلام که مخاطب آن هشام بن حکم است، حجت ها و راهنمایان مورد نیاز انسان به دو دسته ظاهری انبیا و ائمه و باطنی (عقل) تقسیم شده اند: «یا هشامُ إنّ لِلّهِ عَلَی النّاس حُجَّتینِ: حُجَّهٌ ظاهِرهٌ وَ حُجَّهٌ باطِنهٌ فَامّا الظّاهِرهُ فَالرُّسلُ وَ الْأَنبِیاءُ وَ الائِمهُ علیهم السلاموَ اَمّا الْباطِنهُ فَالَعَقولُ». (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶) نکته جالب این است که هشام بن حکم در مناظره ای استدلالی با یکی از مخالفان امامت، از طریق وجود عقل و قلب به عنوان امام باطنی و درونی، بر ضرورت وجود امام ظاهری و بیرونی احتجاج کرده است. (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۰).

۳- ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، الفهرست، قم، منشورات الشریف الرضی، ص ۱۷.

مردم را با غیر زبان هایتان (با عمل) به سوی کار خیر فرابخوانید. پس باید دیگران ببینند که شما در انجام دادن کارهای خوب، راست گویی و پرهیزکاری کوشا هستید.(۱)

«در این روایت، دو روش تربیتی زبانی و روش تربیتی عملی و الگویی، طرح و روش تربیتی زبانی مستقیم، نامطلوب و روش تربیتی الگویی غیرمستقیم، مطلوب و کارآمد معرفی شده است. علت ناکارآمدی روش تربیتی زبانی مستقیم این است که چون معمولاً اغلب مربیان اعم از والدین و معلمان با روش صحیح پند و موعظه آشنا نیستند، شخصیت نوجوان و جوان را نادیده می گیرند. در نتیجه، جوان احساس حقارت و کوچکی می کند. برخی مربیان بدون اینکه توجه داشته باشند، هنگام راهنمایی و ارشاد، آنها را توبیخ و ملامت می کنند. بدیهی است ملامت و توبیخ، بر میزان لجاجت و انحراف آنان خواهد افزود؛ زیرا لازمه طبیعی ملامت ها و سرزنش ها، توسعه ویرانگری، طغیان و عصیان است. این ویرانگری شخصیت در روش تربیتی زبانی، وقتی گسترده تر خواهد بود که ارشاد در حضور دیگران و در میان جمع صورت گیرد. با توجه به همین نکته، در برخی روایت ها، نصیحت در حضور دیگران و به طور آشکار، سبب کوبندگی نصیحت شونده دانسته شده است».(۲)

در مقابل، در روش تربیتی عملی و الگویی، نه تنها شخصیت نوجوان و جوان نادیده گرفته نمی شود، بلکه شخصیت وی حفظ می شود. افزون بر این، روایت یاد شده، تبلیغ عملی و مشاهده ای را از دعوت و تبلیغ زبانی، مؤثرتر می داند؛ زیرا در تبلیغ عملی، مخاطب با دیدن کار نیک، ناخودآگاه به سوی آن جذب می شود. در

۱- اصول کافی، ج ۲، کتاب الایمان و الکفر باب الصدق و الامانه، ص ۱۰۵، ح ۱۰.

۲- سیداصغر ناظم زاده قمی، جلوه های حکمت گزیده موضوعی کلمات امیرالمؤمنین علی علیه السلام، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۳، چ ۱، ص ۵۷۸؛ مجید رشیدپور، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی (با تأکید بر روش ها)، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۲، چ ۲، صص ۵۴ و ۵۵.

روش تبلیغی زبانی و قولی، مربی، خود را به تربیت شونده نزدیک می کند، ولی در روش تربیت الگویی و عملی، تربیت شونده (متأسی)، ناخودآگاه، خود را به مربی (اسوه) نزدیک می کند.(۱)

بنابر آنچه گذشت، می توان گفت اصل امامت در شیعه بر اساس یادگیری مشاهده ای از الگوی رفتاری شکل گرفته است. بنابراین، امام به معنای پیشوا، کسی است که پیشاپیش امت حرکت می کند. به گونه ای که امت، وی را می بینند و برای الگوگیری از ارزش های عینی تجلی یافته در وی تلاش می کنند.

برخی امتیازهای روش یادگیری از الگوهای عملی مشهود بدین شرح است:

۱. برخلاف آموزش نظری، یادگیری از طریق الگوی عملی بسیار سریع صورت می گیرد.

۲. برخلاف آموزش نظری مرسوم که تربیت شونده به صورت مستقیم مورد خطاب و آموزش قرار می گیرد و گاه سبب وارد آمدن فشار ذهنی و روانی بر وی می شود، آموزش به شکل غیرمستقیم، بدون هیچ گونه فشار ذهنی و روانی رخ می دهد.

۳.یادگیری از طریق الگوی عملی مشهود، یکی از ساده ترین راه های تربیت است.

روان شناسان درباره اهمیت و ویژگی های روش یادگیری مشاهده ای از الگوهای رفتاری، مطالب جالبی دارند. برتراند راسل، در مقاله ای با عنوان «تربیت در جهانی دشوار» چنین گفته است:

تصویب شد در همه دانشگاه ها و مجامعی که جوانان در آن اکثریت دارند، طرح آزادی جوانان عملی شود، به گونه ای که آنها را آزاد بگذارند و مانع تحولات فکری و روحی آنها نشوند. آن گاه پس از ده

۱- مجید رشیدپور، روش های تربیتی، بحث روش الگویی، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۰، چ ۱، ص ۱۰۶.

سال، نتایج را با آمارهای دقیق، مطالعه و بررسی کنند. پس از مدت یاد شده، وقتی بررسی صورت گرفت، دیدیم وضع جوان ها به شکل عجیبی درآمده است، بدین معنا که هیچ گونه هماهنگی با هنجارهای قانونی و اجتماعی ندارند. می پنداشتیم اگر آزاد گذاشته شوند، خود، راه کمال و صلاح را پیدا می کنند، ولی چنین نشد. فکر کردیم که چه کنیم؟ آخرین نظر و طرحی که تصویب شد، این بود که بدون اینکه به جوان ها بگوییم می خواهیم آنها را به فرم خاصی درآوریم، زندگی بهترین مدل ها از بزرگان اخلاق، انسانیت و افراد متفکر و دانشمندان باارزش را به صورت فیلم، نمایش تلویزیونی و عکس درآوریم یا شرح حال آنها را در کتاب های جیبی، داستان ها، سخنرانی ها و کلاس ها و مجامع گوناگون بدون هیچ گونه ابراز نظری مطرح کنیم. اعتقاد ما این است که این کار می تواند به آدم درس آدمیّت بیاموزد. با این طرح، در عین حال که به جوان چیزی نگفته ایم و او را سرکوب نکرده ایم، نمای یک انسان خوب و مورد علاقه را هم به اونشان داده ایم. اگر نمونه های عالی انسان ها را به جوان نشان دهید، او خود به خود به سمت آنها می رود و خودش را شبیه آنها می سازد. با آنان هم فکر می شود و یکسره خود را در مقابل صفات عالی آنها می بازد.(۱)

بنابراین، روش الگویی و القای پیام به صورت غیرمستقیم از مؤثرترین روش های تربیتی است؛ چون در روش الگویی و غیرمستقیم، مخاطبان فرصت می یابند با انگیزه و تمایل قلبی به موضوع توجه کنند و بدون کمترین فشار ذهنی و

۱- رجب علی مظلومی، دین و جوان، تهران، نشر آفاق، ۱۳۶۸، چ ۲، صص ۳۸ _ ۴۱.

روانی پذیرای پیام شوند.(۱)

هم چنین پایدارترین و در عین حال، خوشایندترین یادگیری ها، یادگیری غیرمستقیم یا مشاهده ای است؛ زیرا در این نوع یادگیری، یادگیرنده مطابق رغبت ها و انگیزه های خود، آگاهانه و بدون هیچ گونه فشار روانی، همه حواس خویش را متوجه رفتار مورد نظر می کند و با نوعی احساس خوشایندی و بدون دشواری، بر دانسته ها و تجربه های شناختی خویش می افزاید. بنابراین، اگر اولیا و مربیان بتوانند بسیاری از رفتارهای مطلوب و احساسات خوشایند را به طور غیرمستقیم و با بهره گیری از وجود الگوهای رفتاری در کودکان و نوجوانان به وجود آورند، بسیار مؤثر خواهد بود. در یادگیری غیرمستقیم الگویی، چون یادگیرنده، آگاهانه و داوطلبانه، به موضوع یا رفتار ویژه ای دقت می کند، از نگرش مثبت و انگیزه ای نیرومند بهره مند است و کمتر دچار فشار ذهنی و خستگی می شود. همچنین از دامنه توجه وسیع تری بهره می برد، در حالی که در آموزش های مستقیم، همیشه چنین نیست؛ چون ممکن است یادگیرنده نسبت به موضوع یادگیری، رغبت و انگیزه ای از خود نشان ندهد و زود خسته شود.(۲)

اثری که در دیدن هست، در شنیدن نیست. درس دیدنی، درسی است جامع، همگانی و متناسب با همه حال ها و اندیشه ها که آموزش، هرگز جای گزین آن نیست. به همین سبب، به ما دستور داده اند احوال اهل بیت علیهم السلامو پیشوایان دین و کمال انسانی را برای مردم بازگو کنیم تا آنها را به تفکر واداریم.(۳)

۱- غلامـ علی افروز، چکیده ای از روان شناسی تربیتی کاربردی، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲، چ ۱، ص ۱۴۶.

۲- غلام علی افروز، روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، صص ۱۵ و ۱۶.

۳- دین و جوان، ص ۴۳.

بی شـک، تقلیـد و پیروی از الگوهـای مطلوب و شایسـته، آثـار مثبت گونـاگونی دارد که برخی از مهم ترین آنهـا را می توان چنین برشمرد:

۱. الگوهای شایسته، عامل محرک انسان ها به سوی کمال و تعالی هستند.

۲. امکان الگوپذیری دیگران را فراهم می کند.

۳. در زمینه های گوناگون، انجام کارهای سخت در زمینه های متفاوت را تسهیل می کند.

۴. عامل پیش گیری از انحراف هستند.

۵. وجود الگوهـای شایسـته در مکتب و نظـام فکری اسـلام، دلیل حقّانیت آموزه های آن مکتب است که پای بنـدی به آموزه های آن را اعلام می دارد.(۱)

افزون بر آثار کلی یاد شده، الگوهای شایسته، آثار مثبت فراوانی برای جوانان دارند، مانند اینکه:

۱. گرایش جوانان به الگوهای برجسته، افکار آنان را منظم می کند و به آنها تمرکز می بخشد. بدین گونه می توانند به خوبی بر بحران هویت که ویژگی مهم دوران جوانی است، چیره شونـد؛ زیرا هم گرایی فکری زمانی پدیـد می آید که آدمی در پی همانند سازی با شخصیتی برتر از خود برآید.

۲. الگوگرایی، نسـل جوان را به تعالی روح و همت والا فرا می خوانـد. آشـنایی با چنین الگوهایی، جوانان را به نوعی تحسـین وامی دارد. پس برای دست یابی به منزلت رفیع الگوها، از هدف های محدود و زندگی روزانه فراتر می روند و به سوی نوعی حیات معقول و معنوی راه می سپرند.

۳. شـناخت الگوهای شایسـته، سـبب به کار افتادن اسـتعدادهای راکـد و ظرفیت های پراکنـده جوانان می شود. حالت جذب و انجذابی که در پرتو تماس و

۱- نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، صص ۱۵۹ _ ۱۷۴.

آشنایی با الگوها به جوانان دست می دهد، چنان نیرومند است که توانایی به جریان انداختن نیروهای نهفته جوان را دارد.(۱)

۳. شرایط کلی الگوها

۳. شرایط کلی الگوها

حال که دانستیم تقلید و الگوپذیری، امری ضروری، مهم و سودمند است، پرسش این است که شرایط و ویژگی های یک الگوی شایسته و مطلوب چیست؟

از نظر آموزه های اسلامی، تقلید و پیروی از الگوها، شرایط ویژه ای دارد، مثل اینکه الگو باید صالح و رشید باشد. بنابراین، افراد رشد نایافته و فاسد شایستگی ندارند الگو شوند.

آیه های گوناگونی در قرآن به این مطلب اشاره دارند، از جمله:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا مُوسی بِآیاتِنا و سُلْطانٍ مُبینٍ إِلی فِرْعُوْنَ و مَلائِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ ما أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِیدٍ. (هود: ۹۷)

موسی را با آیات و حجت روشن برای رسالت به سوی فرعون و اشراف قومش فرستادیم (و مردم، موسی را گذاشتند و) پیرو امر فرعون شدند. (با آنکه می دانستند) هیچ هدایت و رشدی در امر فرعون نخواهد بود.

أُولئِکَ الَّذینَ هَدَی اللّهُ فَبِهُداهُمُ اقْتَدِهْ. (انعام: ۹۰)

آنها (پیامبران) کسانی بودند که خدا آنان را هدایت کرد. تو (ای پیامبر) نیز به هدایت آنان اقتدا کن.

وَ قالَ مُوسی لِأَخیهِ هارُونَ اخْلُفْنی فی قَوْمی وَ أَصْلِحْ وَ لا تَتَّبِعْ سَبیلَ الْمُفْسِدینَ. (اعراف: ۱۴۲)

ص: ۲۵

۱- جوان و نیروی چهارم زندگی، ص ۲۵؛ اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، صص ۳۵ _ ۴۸.

موسی به برادر خود، هارون گفت: تو (پیشوای قوم و) جانشین من باش و راه صلاح پیش گیر و پیرو اهل فساد مباش.

فَاصْبِرْ لِحُکْمِ رَبِّکَ وَ لا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ کَفُورًا. (انسان: ۲۴)

بر اطاعت حکم پروردگار شکیبا باش و از مردم بدکار کافرکیش هرگز اطاعت مکن.

وَ لا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنا قَلْبَهُ عَنْ ذِکْرِنا وَ اتَّبَعَ هَواهُ وَ کانَ أَمْرُهُ فُرُطًا. (کهف: ۲۸)

و از آنان که ما آنها را از یاد خود غافل کرده ایم و تابع هوای نفس خود شدند و به تبه کاری پرداختند، پیروی نکن.

همان گونه که از این آیه ها برمی آید، برای الگوهای دینی که با سعادت دنیوی و اخروی افراد جامعه ارتباط دارند، شرایط گوناگونی آورده شده است.(۱) افزون بر این، برای مثال، درباره مرجعیت دینی در روایتی نقل شده است:

بر عوام و انسان های نامتخصص در مسائل دینی واجب است از هر یک از مجتهدانی که نگه دار نفس خود و حافظ دین خود و مخالفت کننده با هوای نفس خود و اطاعت کننده امر مولای خویش است، تقلید کنند و این گونه افراد، همه فقیهان نیستند، بلکه بعضی از آنها هستند.(۲)

در روایت یاد شده، صلاحیت های علمی و اخلاقی(۳) و به تعبیر امروزی، دو شرط کلی «تخصص» و «تعهد» برای افراد شایسته تقلید و الگوپذیری بیان شده

۱- برای آگاهی از این اوصاف و شرایط متعدد نک: محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، بخش دهم مبحث اوصاف رهبر شایسته.

۲- طبرسی، الاحتجاج، ص ۴۵۸.

۳- برای آگاهی از صلاحیت ها و شرایط علمی و اخلاقی مرجع تقلید دینی نک: علی اکبر ذاکری، مقاله «اعلمیّت و مرجعیت»؛ حسین شرفی، مقاله «مرجعیت و شایستگی های اخلاقی»، مجله حوزه، شماره ۵۶ و ۵۷ ویژه مرجعیت.

است.

علامه طباطبایی رحمه الله درباره شرایط و ویژگی های کلی یک فرد مناسب برای الگوی تقلید می گوید:

قضاوت عمومی و فطرت به جواز تقلید یا لزوم آن در جایی است که انسان جاهل است و توانایی اِعمال نظر و بررسی فکری مسئله را ندارد. او باید مرجع تقلید و پیشوای مفروض مرجع صلاحیت دار باشد؛ یعنی در مسئله مفروضه، صاحب نظر و قابل اعتماد و وثوق بوده باشد. در غیر این صورت، تقلید، قابل ذم و نکوهش است.(۱)

روان شناسان نیز معتقدند دو عنصر اصلی ارزیابی پیام گیر از پیام دهنده عبارتند از: اعتبار و جذابیّت. اعتبار؛ یعنی درجه پذیرفته شدن پیام دهنده که به میزان تخصص وی در موضوع مورد بحث بستگی دارد. همچنین قابل اعتماد و بی غرض بودن او نیز مهم است. سیاستمداران و کارگزاران تبلیغ و آگهی، دست کم به همان اندازه که برای تبلیغ مطلب مورد نظر می کوشند، برای اعتمادسازی نیز تلاش می کنند. جذابیّت نیز؛ یعنی اینکه پیام گیر تا چه اندازه از پیام دهنده خوشش می آید.

البته اعتبار و جذابیت تا حدودی با هم تفاوت دارند. اعتبار سبب تغییر نگرش می شود، به دلیل این که مردم، استدلال های یک منبع معتبر را از استدلال های یک منبع نامعتبر جدی تر می پندارند، ولی جذابیت، ظاهرا از طریق مکانیسم همانندسازی عمل می کند. مردم می کوشند همانند یا شبیه کسانی شوند که به آنها علاقه مندند و این به اقتباس از باورها و نگرش های فرد مورد علاقه می انجامد.(۲)

بنابراین، هر قدر الگوها مطلوب تر و محبوب تر و جذاب تر باشند، میزان

۱- سید محمدحسین طباطبایی رحمه الله، مقاله «اجتهاد و تقلید در اسلام و شیعه»، برگرفته از: بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، ص ۲۰.

۲- اتکینسون و دیگران، زمینه روان شناسی، ج ۲، صص ۴۰۷ و ۴۰۸.

اثرپـذیری بیشتر و پایدارتر می شود. مثلاً بچه ها، رفتار الگوهای مطلوب شان را بسیار دوست دارند و مایلند که با آنان همانند سازی کننـد و رفتاری همسان رفتار الگوهای خود داشـته باشـند. برای نمونه، وقتی نوجوانان، الگوهای خویش را در شـرایط و موقعیت های گوناگون در حال نماز خوانـدن می بینند، احساس خوشایندی سراسـر وجودشان را فرامی گیرد و نسـبت به رفتار آنها کنجکاو می شوند و با توجه به اینکه انسان فطرتی مسـتعد و نیازمند نیایش دارد، آنان نیز با شور و شوق و احساسی زیبا و توصیف ناپذیر، به نماز می ایستند.

دیـدن رفتـار آموزگـاران و دبیران محبوبی که بی هیـچ شـایبه ای، نماز را در مـدرسه اقامه می کننـد یا دیگر الگوهای رفتاری موفـق و برجسـته اجتمـاعی همچـون: اسـتادان دانشـگاه، پزشـکان، مهنـدسان، دانشـجویان، خلبانـان، ورزشـکاران، شـاعران، نویسـندگان و هنرمندان که در مسـجد، خانه، دانشـگاه، بیمارسـتان و میدان های ورزشی به نماز می ایستند، حس کنجکاوی و همانندسازی نوجوانان را برمی انگیزد. بدین ترتیب، در آنان احساس خوشایندی نسبت به نماز به وجود می آید یا تقویت می شود.(1)

درباره تأثیر نقش الگوی مطلوب و محبوب در شـکل گیری شخصیت انسان، سخن فراوان گفته شده است. بیان خاطره یکی از عارفان بزرگ می تواند شاهد نیکویی برای اثبات این مدعا باشد. روزی از سـهل شوشتری که از عارفان بزرگ و اهل کرامت بود، پرسـیدند: چگونه به این مقام و مرتبه رسـیدی؟ پاسـخ داد: در کودکی نزد دایی ام زندگی می کردم. برخی شب ها برای رفع حاجت از رختخواب برمی خاستم. وقتی برمی گشـتم دایی ام را می دیـدم که رو به قبله نشسـته، عبایی به دوش کشـیده و عمامه ای بر سر گذاشته و مشغول نماز خواندن است. از حالت او

۱- روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، ص ۱۸.

خوشم می آمد. شبی کنارش نشستم تا نمازش تمام شد. آن گاه با خوش رویی و تبسم از من پرسید: پسر، چرا نشسته ای؟ برو بخواب. گفتم: از کار شما خوشم آمده است و می خواهم پهلوی شما بنشینم. گفت: نه، برو بخواب. رفتم و خوابیدم. شب بعد نیز از خواب بیدار شدم. دیدم باز هم دایی، مشغول نماز خواندن بود. کنارش نشستم. او با مهربانی و گشاده رویی به من گفت: برو بخواب. گفتم: دوست دارم هرچه شما می گویید، من هم تکرار کنم.

دایی ام مرا رو به قبله نشانید و گفت: یک مرتبه بگو «یا حاضر، یا ناظر». من هم تکرار کردم. سپس دایی با صمیمیت به من گفت: برای امشب کافی است. حالا برو بخواب. این کار چند شب تکرار شد و هر شب عبارت «یا حاضر و یا ناظر» را چند بار تکرار می کردم. کم کم، وضو گرفتن را هم آموختم. سپس کار به جایی رسید که من بدون اینکه نزد دایی بروم، خودم پیش از اذان صبح بیدار می شدم. پس از نماز، تسبیح به دست می گرفتم و پیوسته تکرار می کردم «یا حاضر و یا ناظر» و از این کار حظّ روحانی می بردم تا اینکه به این مقام و مرتبه رسیدم.(۱)

درباره خاطره یاد شده لازم است به چند نکته بسیار ظریف و مهم اشاره کنیم:

۱. کودک به الگوی رفتاری خود (دایی) به سبب رفتار عاطفی متقابلی که با او داشته، علاقه مند شده و شخصیت دایی برایش بسیار مطلوب و محبوب بوده است.

۲. کودک به دلیل علاقه مندی به الگوی محبوب و شخصیت مطلوب، نسبت به رفتار او (نماز در نیمه شب) بسیار کنجکاو می شود. ممکن است کودک و نوجوان برخی احکام نماز را بداند، ولی در عمل مشکل داشته باشد. مثلاً تربیت شونده، توصیفی از نماز را شنیده و حمد و سوره و دیگر ذکرها و ارکان نماز را آموخته است، ولی در عمل نمی تواند نماز بخواند. الگو می تواند راهکارهای عملی را به

۱- همان، ص ۱۹.

کودک و نوجوان نشان دهد.

۳. کودک می کوشد با اشتیاق فراوان همانند سازی کند و رفتاری از خود نشان دهد که مانند رفتار الگوی محبوبش (دایی) باشد.

۴. علاقه و شوقی که وجود کودک را فرا گرفته و اخلاصی که در او هست، سبب می شود احساس خوشایندی نسبت به نماز در وجود او پرورش یابد و اقامه نماز برایش لذت بخش شود.

۵. شواهد زیر نیز نشان دهنده این نکته است که الگو و مربی وارسته (دایی) در خوشایند جلوه دادن چنین تجربه نیکویی نقش مهمی داشته و دارد:

الف) مربی (دایی) همواره با چهره ای گشاده با کودک روبه رو شده است. زمانی که در نیمه شب، کودک بر حسب اتفاق، دایی خود را در حالت نماز و نیایش می بیند، او را با سیمای متبسم و مهربان می یابد.

ب) وقتی الگوی محبوب کودک، دیگر بار بر اثر اصرار کودک برای همراهی و همگامی، با او روبه رو می شود، برای او تجربه ای بسیار خوشایند فراهم می آورد.

ج) مربی برای اولین نماز کودک، آن هم در نیمه شب، برنامه ای بسیار آسان، کوتاه، دوست داشتنی و لذت بخش فراهم می کند. مربی بزرگوار با علم به اینکه دوره کودکی، دوره بازی، آقایی و مهرطلبی است و طولانی شدن نماز ممکن است از خوشایندی آن برای کودک بکاهد، به کوتاه ترین زمان و کمترین و در عین حال عمیق ترین بیان: «یا حاضر و یا ناظر» بسنده می کند. کودک نیز با احساسی زیبا و لطیف و آرزوی تکرار دوباره چنین تجربه خوشایندی، از اقامه نماز در کنار الگوی محبوب، به خواب می رود، در حالی که رفتار تشویق آمیز و تأییدگرانه دایی و مربی بزرگ خود را به همراه دارد.(۱)

۱- همان، ص ۲۱.

با توجه به خاطره ذکر شـده نتیجه می گیریم که روش الگویی، بهترین، مؤثرترین و طبیعی ترین وسـیله برای انتقال ارزش های اخلاقی و فرهنگی در خانواده است که در آن، فرزنـدان در مسـیر طبیعی زنـدگی، به راحتی این ارزش ها را فرا می گیرند و با آنها خو می گیرند. مشکلات روش های تربیتی مستقیم، مانند ایجاد حساسیت منفی و مقاومت در این روش نیز هرگز به وجود نمی آیـد. افزون بر این، وقتی فرزنـدان، ارزش هـای انسـانی و اخلاقی را در رفتار و زنـدگی والـدین و مربیان خود مجسم می بینند، با شکوه، زیبایی و جاذبه این ارزش ها در عمل آشنا می شوند. این وضعیت، بهترین انگیزه را در آنها برای دست یابی به این ارزش هـا به وجود می آورد و نوجوانـان به طور فطری به سوی ارزش هـای انسـانی و اخلاـقی کشـیده می شونـد. پس در صورتی که شرایط فراهم باشد، این ارزش ها به راحتی در درون آنان شکوفا می شود.(۱)

بـا توجه به آگـاهی از ضـرورت و آثـار پیروی از الگوهـا، بایـد یـادآوری کرد اگر به شـرایط لازم درباره الگوها توجه نشود و الگو، شایسته و مطلوب نباشد، تقلید از الگوها زیان بار خواهدشد.(۲)

۱- محمدعلی سادات، راهنمایی پدران و مادران، شیوه های برخورد با نوجوانان، ج ۱، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.
۲- باوجود اهمیت آسـیب شناسـی روش تربیتی الگوپردازی و الگوسازی، پژوهش چنـدانی در این زمینه انجام نشـده است. در کتاب ششم تربیت اسلامی، مقاله مختصری با عنوان «آسیب شناسی روش اسوه پردازی در تربیت دینی» به چاپ رسیده است.

فصل دوم: اثر گذاری الگوها

اشاره

فصل دوم: اثر گذاری الگوها

زیر فصل ها

۱. چگونگی اثرپذیری از الگوها

۲. شرایط اثر گذاری الگوها

۳. گستره اثر گذاری الگوها

۱. چگونگی اثرپذیری از الگوها

۱. چگونگی اثرپذیری از الگوها

در تحلیل چگونگی اثرپذیری انسان از الگوها می توان گفت انسان به دلیل فطرت کمال خواهی، اهداف و آرزوهایی دارد. زمانی که با الگویی روبه رو می شود و کمال مطلوب خویش را در او می یابد، از نظر عاطفی نوعی نزدیکی و هماهنگی میان خود و الگو می بیند. از سوی دیگر، احساس نیاز به آن کمالی که در الگو هست، سراسر وجود الگوپذیر را فرا می گیرد.

هماهنگی عاطفی با الگو و احساس نیاز به او سبب می شود که الگوپذیر در پی تقلید از الگو باشد. در چنین موقعیتی، به سبب اثرپذیری انسان از محیط پیرامونش، با بهره گیری از میل به تقلید، تحت تأثیر الگو قرار می گیرد و می کوشد رفتار خود را با الگو همانند سازد. الگوپذیر، الگو را مصداق خارجی و عینی اهداف و آرزوهای خویش می بیند و آرزوهای خود را نیز قابل تحقق می یابد. از این رو، به دنبال الگو می رود تا با بهره گیری از او بتواند اهداف و آرزوهای خود را تحقق بخشد و در نتیجه، به کمال مطلوب دست یابد.

در روند اثر گذاری الگو، دست کم دو شرط لازم است: شرط اول اینکه الگو از

ص :۳۳

نظر تربیت شونده، ویژگی کمالی داشته باشد. شرط دوم اینکه تربیت شونده از نظر وضعیت نفسانی، برای پذیرش آن ویژگی، آمادگی روحی و روانی داشته باشد. با وجود این شرط، چنانچه هر الگویی، هر چند الگوهای نامناسب به الگوپذیر معرفی شود، او پیروی می کند. به همین دلیل، لازم است الگوهای صادق و صالح به او معرفی شوند تا الگوپذیر بتواند با پیروی از الگوی صالح به شایستگی و صلاحیت مطلوب خود دست یابد؛ چون اگر الگوی معرفی شده صالح نباشد، چگونه می تواند الگوپذیر را به شایستگی و صلاحیت دلخواه برساند. این واقعیت در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین نقل شده است: «کسی که خود را اصلاح نکرده است، چگونه می تواند دیگران را اصلاح کند؟»(۱) شاعر نیز می گوید:

ذات نایافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی بخش؟

برخی از الگوها کمال های گوناگون دارند. طبیعی است این گونه الگوها جاذبه و اثرگذاری بیشتری برای جوانان دارند. در این صورت الگوپذیر می تواند، بلکه باید از چنین الگوهایی پیروی کند. مصداق اصلی این الگوها اهل بیت پیامبر اکرم علیهم السلام هستند که امام علی علیه السلام در روایتی، مؤمنان را به پیروی از آنها سفارش می کند:

به خاندان پیامبرتان بنگرید و به آن سو که می روند، بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکتتان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند، بایستید و اگر برخاستند، برخیزید. بر آنها پیشی مگیرید که گمراه می شوید و از آنان پس نمانید که تباه می گردید.(۲)

۱- غررالحکم و دررالکلم، چاپ دارالکتاب، ج ۲، ص ۵۵۵.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۹۷؛ محمدرضا قائمی مقدم، مقاله «روش الگویی در تربیت اسلامی»، مجله معرفت، شماره ۶۹، ص ۲۸.

۲. شرایط اثرگذاری الگوها

اشاره

۲. شرایط اثرگذاری الگوها

تردیدی نیست که کارآمد بودن روش های تربیتی به این بستگی دارد که مربی از شرایط اثرگذاری و کارآمدی روش های تربیتی، آگاهی داشته باشد. در غیر این صورت، نه تنها مربی در کار تربیتی خود توفیقی نخواهد داشت، بلکه نتیجه معکوس نیز خواهد گرفت. امام صادق علیه السلام در روایتی چنین می فرماید:

کسی که بدون شناخت دقیق از کاری، آن را انجام دهد، مانند کسی است که مسیر انحرافی را می پیماید و این پیمودن مسیر انحرافی با سرعت، باعث دورتر شدن او از هدف می شود.(۱)

در روایت دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که:

مَنْ عَمِلَ عَلی غَیرِ عِلْمٍ کَانَ ما یُفسِدُ اَکثَر مِمّا یُصْلِحُ.(۲)

هرکه بدون آگاهی، کاری انجام دهد، خراب کاری او بیش از اصلاحش خواهدبود.

بنابراین، هر فردی که می خواهد کاری را انجام دهد، افزون بر کاردان بودن، باید از شرایط انجام صحیح کار آگاه باشد. مثلاً یک مربی در صورتی در کار پرورشی خود موفق است که با فنون تعلیم و تربیت و ویژگی های افراد آشنایی کامل داشته باشد. در واقع می توان گفت شناخت مربی از ویژگی های تربیت شونده و آشنایی با فنون تعلیم و تربیت، شرطی عمومی است که برای به کارگیری صحیح همه روش های تربیتی، ضروری به نظر می رسد.

افزون بر شرط عمومی یادشده، هر یک از روش های تربیتی، ممکن است شرایط

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳، باب من عمل بغیر علم، ح ۱.
۲- همان، ص ۴۴، باب من عمل بغیر علم، ح ۳.

ویژه ای داشته باشند که اکنون به مهم ترین شرایط اثرپذیری و تقلید از الگوها می پردازیم:

الف) ضرورت آمیختگی تقلید با منطق و پرهیز از مقلدپروری بدون استدلال

الف) ضرورت آمیختگی تقلید با منطق و پرهیز از مقلدپروری بدون استدلال

چون در روش تربیتی الگویی، نوعی پیروی از دیگران وجود دارد، ممکن است رفته رفته، زمینه برای پیروی کورکورانه و به دور از هرگونه استدلال در تربیت شونده فراهم شود. بدیهی است نتیجه این اطاعت کورکورانه، پرورش افرادی وابسته و بی اراده خواهد بود.

قرآن کریم، تقلید کورکورانه از پدران و بزرگان را برنمی تابد و این گونه تقلید جاهلانه را نکوهیده است:

بَلْ قالُوا إِنّا وَجَدْنا آباءَنا عَلى أُمَّةٍ وَ إِنّا عَلى آثارِهِمْ مُهْتَدُونَ وَ كَذلِكَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِكَ فى قَرْيَةٍ مِنْ نَذيرٍ إِلاّ قالَ مُتْرَفُوها إِنّا وَجَدْنا آباءَنا عَلى أُمَّةٍ وَ إِنّا عَلى آثارِهِمْ مُقْتَدُونَ قالَ أَ وَ لَوْ جِئْتُكُمْ بِأَهْدى مِمّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آباءَكُمْ قالُوا إِنّا بِما أُرْسِلْتُمْ بِهِ كافِرُونَ. (زخرف: ۲۲ _ ۲۴)

بلکه گفتند ما پدران را به آیینی یافتیم و البته ما هم در پی آنها بر هدایت هستیم. و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما، پدران خود را بر آیین و عقاید یافتیم و از آنها پیروی خواهیم کرد. آن رسول ما به آنان گفت: اگر شما را به آیینی بهتر از دین باطل پدرانتان هدایت کنم، باز هم از پدرانتان تقلید می کنید؟ آنها پاسخ دادند: ما به آنچه شما به رسالت آورده اید، باز کافریم.

در مقابل این دسته آیه ها، آیه هایی وجود دارد که انسان ها را تشویق می کند در رویارویی با الگوها، از چگونگی هدایت و رشد آنها پیروی کنند، نه از خود آنها.در

سوره انعام، پس از بیان مطالبی درباره پیامبران پیشین، خداوند خطاب به پیامبر اسلام چنین می فرماید:

آن پیـامبران کسانی بودنـد که خداونـد آنها را هـدایت کرد (پس می تواننـد جنبه الگویی داشـته باشـند) و ای پیامبر، تو نیز به هدایت آنان اقتدا کن (نه به خود آنها). (انعام: ۴۹)

در روش تربیتی الگویی، مربی باید فرد را به گونه ای تربیت کند تا به همراه ایجاد روحیه اطاعت پذیری آگاهانه، روحیه انتقاد و پرسـش گری نیز در او تقویت شود. به این ترتیب، تربیت شونـده با آگاهی و منطق، الگوبرداری می کنـد و مصداق این آیه شریفه خواهد شد:

الَّذینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولئِکَ الَّذینَ هَداهُمُ اللّهُ وَ أُولئِکَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبابِ. (زمر: ۱۸)

کسانی که سـخنان را می شـنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کننـد، کسانی هسـتند که خداونـد هدایتشان کرده است و آنها خردمندانند.

ب) نزدیکی و هماهنگی میان الگو و الگوپذیر

ب) نزدیکی و هماهنگی میان الگو و الگوپذیر

نزدیکی و همـاهنگی بین الگـو و الگوپـذیر، فرآینـد الگـوبرداری و هماننـدسازی را سـرعت می بخشـد. همچنین انگیزه تربیت شونـده را در الگـو برداری افزایش می دهـد و اعتمـاد بـه نفس را در او تقـویت می کنـد. بنـابراین، هرچه فاصـله میـان الگـو و الگوپـذیر نزدیک تر باشـد، انگیزه و علاقه بیشتری برای پیروی و همانندسازی در الگوپذیر به وجود می آید. کم بودن فاصـله میان الگو و الگوپذیر و نزدیک و هماهنگ بودن آنها در جهت های گوناگون، سبب می شود الگوپذیر، الگو را از خود بداند و نوعی ارتبـاط عاطفی نسبت به او پیـدا کنـد. برای نمونه، اگر اسوه هایی از زنـدگانی ائمه اطهار علیهم السـلامدر خردسالی، برای کودکـان و به همین ترتیب، از دوران جوانی ائمه برای جوانان معرفی شود، نتیجه الگو گیری، بسـیار مفیـدتر و کارآمـدتر خواهد بود.

قرآن کریم از این مطلب غافل نیست و به آن توجه کرده است. خداوند در

ص: ۳۷

نخستین گام برای هدایت انسان ها، پیامبرانی از جنس خود بشر فرستاده است.

قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ یُوحی إِلَیَّ. (کهف: ۱۱۰؛ فصلت: ۶)

(ای پیامبر) بگو همانا من بشری مثل شما هستم که به من وحی می شود.

خداونـد، پیـامبران را الگوهـایی از جنس خود بشر قرار داد تـا بشر بـا الگوهـای تربیتی خود احساس بیگانگی نکنـد. همچنین خداونـد با این کار می خواست به ما انسان ها بفهمانـد که شـما نیزماننـد این پیامبران هستید و با تلاش و پیروی از این الگوها می توانید از کمال این پیامبران بهره مند شوید.

ج) گونه گونی الگوها

ج) گونه گونی الگوها

کمـال و خصـلت هـای نیکو، گونـاگون است و هر الگویی نیز در جهتی خـاص، قـابلیت الگودهی دارد. بنابراین، لازم است بر اساس اختلاف نیازهای الگوپـذیران، الگوهای گوناگون و کاملی معرفی شود معمولاً الگوها هم به سـبب بهره منـدی از کمال هـای خـاص، در همان جهت خاص، دارای قـدرت اثرگـذاری بیشتری هسـتند. به همین دلیل، الگوهایی که قرآن کریم معرفی کرده است، معمولاً بسیار گوناگون هستند(۱) که به چند مورد اشاره می شود:

۱. حضرت یوسف؛ الگوی مقاومت در مقابل دیو شهوت.(۲)

۲. جوانان اصحاب کهف؛ اسوه های مهاجرت در راه خدا برای دست یابی به رشد و تربیت.(۳)

۳. داوود جوان؛ اسوه شهامت و شجاعت در مبارزه با طاغوت.(۴)

ص: ۳۸

۱- نک: رضا رستمی زاده، مقاله «الگوهای تربیتی در قرآن»، مجله معرفت، شماره ۶۹، ص ۱۲.

۲- یوسف: ۲۱ _ ۵۶.

۳- کهف: ۹ _ ۲۶.

۴- سبأ: ۴ _ ۱۳؛ انبیا: ۷۸ _ ۸۰؛ ص : ۱۷ _ ۲۶؛ بقره: ۲۵۱.

۴. حضرت اسماعیل؛ الگوی تسلیم در مقابل فرمان خدا.(۱)

۵. حضرت ابراهیم؛ الگوی فطرت جویی، عادت گریزی و بت شکنی.(۲)

۶. حضرت نوح؛ الگوی پایداری و استقامت در تبلیغ دین.(۳)

۷. حضرت ایوب؛ الگوی بردباری در سختی های روزگار.(۴)

۸. حضرت محمد صلی الله علیه و آله؛ الگوی کامل مکارم اخلاقی.(۵)

د) استمرار معرفی الگو

د) استمرار معرفی الگو

انسان همواره دچار فراموشی می شود و همین ویژگی انسان، مسیر تکاملی وی را منحرف می سازد. برای پیش گیری از آثار مخرب این ویژگی، یکی از شرایط مفید و کارآمد بودن روش تربیت الگویی، استمرار معرفی الگو است. معرفی پی درپی الگو تا حد زیادی می تواند از غفلت انسان و در نتیجه، منحرف شدن مسیر تکاملی او جلوگیری کند.

برای رسیدن به این مهم، یادآوری و زنده نگه داشتن الگوها با نام گذاری افراد، اماکن و اشیا به نام آنها، برگزاری کنگره ها و بزرگداشت ها، برگزاری مراسم بزرگداشت معصومان و ائمه اطهار علیهم السلام در این راستا، قابل تفسیر است. هر یک از موارد یاد شده که در فاصله های زمانی گوناگون و مکان های متفاوت انجام می شود، مصداق این آیه شریفه است: «وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيّامِ اللّهِ؛ (ابراهیم: ۵) پس روزهای خدایی را به یاد ایشان بیاور».

۱- حج: ۲۶، ۴۲، ۴۳، ۵۱ و ۵۸.

۲- همان.

۳- نوح: ۱ _ ۲۷.

۴- نساء: ۱۶۳؛ انعام: ۸۴ ؛ ص : ۴۱ _ ۴۶؛ انبیا: ۸۳ _ ۸۴ .

۵- احزاب: ۲۱؛ قلم: ۴؛ انبیاء: ۱۰۷؛ توبه: ۱۲۸.

شرکت در مراسم اسلامی که به منظور بزرگداشت الگوها صورت می گیرد، سبب می شود انسان هر چند برای مدتی کوتاه از غفلت دور شود و با اسوه ها پیوند برقرار کند. این ایجاد پیوند، سبب تذکر وی می شود و مصداق این آیه شریفه قرار می گیرد: «وَ ذَکِّرْ فَإِنَّ الذِّکْری تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِینَ؛ (ذاریات: ۵۵) پس یادآوری کن. به درستی که یادآوری به مؤمنان نفع می رساند».

ه) هماهنگی میان الگوها

ه) هماهنگی میان الگوها

شرط دیگر کارآمدی و اثرگذاری مثبت الگوها این است که اگر الگوها گوناگون هستند، لازم است که با هم هماهنگ باشند و اگر الگو یکی است، باید جنبه های گوناگون آن با هم هماهنگ باشند. مثلاً اگر گفتار مربی با رفتار وی هماهنگ باشند و گفته و کار او یکدیگر را تصدیق و تأیید کند، به وحدت رفتار و تثبیت آن در الگوپذیر بسیار کمک می کند و برعکس، هرگونه ناهماهنگی به دوگانگی رفتار در تربیت شونده و ظهور روحیه نفاق در او می انجامد.(۱)

۳. گستره اثرگذاری الگوها

اشاره

۳. گستره اثرگذاری الگوها

گستره تقلید و اسوه پذیری از الگوها، جنبه های گوناگونی دارد، همچون: تعدد الگوها؛ محیط های تربیتی گوناگون مانند: خانواده، مدرسه، گروه هم سالان، جامعه و رسانه های عمومی مثل: صدا و سیما و مطبوعات. همچنین الگوپذیری دارای حیطه ای گسترده است، به گونه ای که تقریبا همه شئون انسان را دربرمی گیرد؛ چون بخش مهم و زیادی از آنچه انسان در سرتاسر زندگی می آموزد، با تقلید و الگوبرداری به دست می آید. به گفته آلبرت بندورا، یادگیری انسان با مشاهده پی آمدهای رفتار الگو حاصل می شود. از آنجا که انسان همواره در معرض تجربه های گوناگون الگوبرداری قرار می گیرد، می توان نتیجه گرفت که بیشتر اصول

۱- مقاله «روش الگویی در تربیت اسلامی»، مجله معرفت، ش ۶۹.

و قواعدی که رفتار انسان را هدایت می کنند، از چیزی شبیه به الگوبرداری انتزاعی به وجود می آیند.(۱)

الگوبرداری و تنظیم رفتار در زندگی بر اساس تجربه ها و مشاهده ها، از خردسالی آغاز می شود و تا پایان عمر ادامه دارد. در کودکی، رفتار و گفتار الگو، تقلید می شود، ولی با افزایش سن و قدرت شناختی الگوپذیر، تقلید، جای خود را به اندیشه و انتخاب می دهد. الگوپذیر در این مرحله با دیدن رفتار الگو، به تجزیه و تحلیل آنها می پردازد و با استنباط شخصی خود از آنها الگوبرداری می کند.

الف) خانواده، اولین و مهم ترین الگوی تربیتی فرزندان

اشاره

الف) خانواده، اولین و مهم ترین الگوی تربیتی فرزندان

انسان، بسیاری از رسوم زندگی و آداب معاشرت، مانند: غذاخوردن، لباس پوشیدن و شیوه سخن گفتن را از پدر و مادر و دیگر هم نشینان فرامی گیرد و به کار می بندد. بنابراین، انسان در همه عمر، کم و بیش از دیگران تقلید می کند. بین یک تا پنج سالگی، تقریبا همه یادگیری های کودک، از راه تقلید است. کودک تا مدتی از مصالح و مفاسد واقعی امور چندان آگاهی ندارد و نمی تواند برای کارهایش، هدف های عاقلانه و درستی تعیین کند. در این مدت، تمام توجهش به پدر و مادر و دیگر هم نشینان است. او کارهای آنان را می بیند و از آنان تقلید می کند. گاهی کودک از تماشای هنرپیشگان سینما و صحنه های قتل، جنایت، دزدی و چاقوکشی که در صحنه سینما یا در صفحه تلویزیون ظاهر می شوند، چنان تحریک می شود که همان رفتار را از خود ظاهر می سازد. شما در مجله ها و روزنامه ها، شرح حال کودکانی را می خوانید که به قتل و جنایت یا دزدی دست زده و تماشای صحنه های پلیسی، قتل

۱- همان، ش ۶۹ ، ص ۳۳، به نقل از: هر گنهان، بی آر و همکاران، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، ترجمه: علی اکبر سیف، تهران، نشر دانا، ۱۳۷۴، ص ۴۴۹.

و جنایت در سینماها و تلویزیون را از عوامل محرک خویش معرفی کرده اند.(۱)

بی تردید، والدین و خانواده، نخستین عامل مؤثر در تربیت انسان ها به شمار می روند. هر فردی در نخستین مرحله از مراحل زندگی خود با والدین و خانواده روبه رو است. بسیاری از ویژگی های انسان ها از راه مسائل ژنتیک و ارثی یا از راه مسائل اکتسابی و برنامه تربیتی تحت تأثیر والدین و خانواده شکل می پذیرد.

از مطالعه آثار دانشمندان تربیتی و روان شناسی چنین به دست می آید که خانواده در امر تربیت، نقش بسیار مؤثری دارد. وقتی انسان را تربیت پذیر دانستیم و شکل پذیری او را از عوامل تربیتی پذیرفتیم، چون اولین عامل تربیتی انسان، خانواده است، به شکل طبیعی، حالت ها و برنامه های اعضای خانواده در فرد مؤثر است.(۲) تأثیر خانواده بر کودک، بدون مقدمه، آغاز و با قدرت و فراگیری ویژه ای آشکار می شود و امکان دارد تأثیر آن در سراسر زندگی فرد باقی بماند.

از نظر تاریخی، نظریه پردازان یادگیری اجتماعی یکی از دیدگاه های مهم را در مورد خانواده ارائه داده اند. این نظریه پردازان بر اصول یادگیری تأکید بیشتری دارند و از این دریچه به مفهوم خانواده می نگرند. به همین دلیل، بر میزان اثرگذاری پدر و مادر بر کودک و اثرپذیری کودک از خانواده تأکید می ورزند. در این نگرش، والدین با به کارگیری تشویق و تنبیه و با الگو قرار دادن خود یا تشریح روش خودشان در حال و گذشته، به رفتار فرزندان شکل می دهند. بدون تردید، نگرش والدین بر رفتار آنان با فرزندانشان تأثیر می گذارد. در شکل گیری نگرش های والدین، عوامل گوناگونی دخالت دارند که یکی از مهم ترین آنها، الگوهای شخصیتی والدین است. پس می توان گفت نگرش والدین نسبت به فرزندان، به مقدار زیادی

۱- ابراهیم امینی، آیین تربیت، صص ۱۶۴ _ ۱۶۷.

۲- محمد اسدی گرمارودی، درس هایی از تربیت انسانی، صص ۴۷ _ ۵۹.

متأثر از الگوهای شخصیتی آنان است.(۱)

جنبه تقلیـدی در فرزنـدان خردسـال بسـیار قوی است و از ماه نهم تولـد در طفل ظاهر می شود و در سال های اولیه کودکی به اوج خـود می رسـد. بعـدها بـه هر میزان که انسـان، رشـیدتر و از نظر عقلی کامـل تر می شـود، تقلیـد در او ضـعیف تر و جنبه ابتکاری در او قوی تر خواهد شد. کودک در خانه، ناظری تیزبین، موشـکاف و دقیق است که زود عمل می کند و سریع آنچه را آموخته است، پس می دهـد. بنـابراین، والـدین به ویژه از اوایـل نه مـاهگی کودک بایـد بیشتر مراقب رفتـار خود در حضور کودک باشـند. والدین، الگوی کودک در تقلید هسـتند. به این دلیل، باید بیشتر در کارهای خود دقت کنند. کودک به سـبب اعتمادی که به پدر و مادر خود دارد، از کارشان تقلید می کند و رفتار خوب یا بد آنان را می آموزد.

تقلیـد کردن کودک، قوه تکلّم او را رشد می دهد، انجام کارها را برایش آسان می کند و گاهی سـبب ابتکار می شود. با این حال، ممکن است زیان هایی مانند بدآموزی نیز داشته باشد؛ چون تقلیدش، کورکورانه و بدون اندیشه است.

برای اینکه از اهمیت نقش والـدین و جنبه الگویی آنهـا در برابر دیـدگان فرزنـدان بیشتر آگـاه شویم، نخست بایـد بپرسـیم که کودکان از والـدین و خانواده خود چه می آموزند؟ پاسخ این است که کودکان و فرزندان، همه چیز را از خانواده خویش می آموزند. از نخستین کلمه تا راه رفتن، آداب غذا خوردن، آداب معاشـرت، شـیوه لباس پوشیدن، روش برخوردها، سخن راست یا دروغ، انجام وظیفه، مسئولیت پذیری، مهر و صفا، پرخاشگری، محبت، شجاعت، پاک دامنی، عاطفه، تعاون و یاری رساندن به دیگران، حیله و فریب، ستم و تجاوز و... .

چشمان کودک چون دوربین عکاسی است که متوجه رفتار والدین است. هیچ

۱- شکوه نوابی نژاد، سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، صص ۱۳ _ ۱۶.

چیز از نظر او پنهان نمی مانـد و او از آنچه در اطرافش می گـذرد، عکس برمی دارد و آن را در مخزن ذهنش جای می دهـد. پس رفتـار و ارتبـاط خانواده در رفتار کودک مؤثر است. خانواده، چون مـدرسه ای آداب آموز است و رفتار والـدین سرمشـق اوست.(۱)

الگوهای گوناگون زیر برای والدین و خانواده قابل ترسیم است:

الگوی اول: پدر تندخو و مستبد، مادر مهربان و آرام

الگوی اول: پدر تندخو و مستبد، مادر مهربان و آرام

در الگوی اول، پسر ممکن است خود را با پدر انطباق دهد و از روش تحکم آمیز وی تقلید کند. او با خشونت، خواهر و برادر کوچـک تر خود را کتک می زنـد. در برابر مردم نیز از روش های پرخاش جویانه ای اسـتفاده می کنـد که از پـدرش آموخته است. همچنین ممکن است پسـر، رفتار مادرش را سـرمشق خود قرار دهد و برخی ویژگی های مادرش در وی تقویت شود. در این صورت، از داشـتن رفتاری مردانه محروم می مانـد و در زنـدگی اجتماعی و زناشویی با مشـکلاتی روبه رو می شود. دختر نیز ممکن است خود را با مادرش منطبق کنـد و از نظر رفتار مادری مشـکلی نداشـته باشـد، ولی تصویر نادرستی از مردان پیـدا می کنـد و همه مردان راماننـد پدر خود می انگارد. به همین دلیل، در زندگی بعدی و در برخورد با مردان مشـکلاتی خواهد داشت.

الگوی دوم: پدر مهربان و آرام، مادر تندخو و مستبد

الگوی دوم: پدر مهربان و آرام، مادر تندخو و مستبد

در این الگو، دختر نمی توانـد به آسانی، خودش را با مادر انطباق دهـد و در ایفای نقش واقعی خود به عنوان یک دختر دچار اشـکال می شود. انطباق با مادر و پیروی از رفتار وی سـبب می شود که در مناسـبات خود با دیگران مسـتبد باشـد و نتوانـد در روابط اجتماعی موفق شود. پسر به سادگی، رفتار پدر را الگو قرار می دهد، ولی در

۱- علی قائمی امیری، خانواده و تربیت کودک، صص ۲۵۹ و ۲۶۰.

اثر نداشتن الگوی مناسب در رفتار مادری، با مشکلاتی در آینده روبه رو می گردد و نمی تواند رفتار مناسبی در برابر جنس مخالف داشته باشد. پسران چنین خانواده ای نسبت به زنان بدبین هستند و همواره آنان را سرزنش می کنند.

الگوی سوم: پدر تندخو و مستبد، مادر تندخو و مستبد

الگوی سوم: پدر تندخو و مستبد، مادر تندخو و مستبد

در این الگو، پسران و دختران، الگوی مناسبی برای رفتار خود ندارند. نوجوان از طرف پدر و مادر مورد بی مهری قرار می گیرد و نمی تواند رفتار مناسبی را فرا گیرد. چه بسا چنین خانواده ای زمینه ساز بزهکاری ها و انحراف های آنان می شود.

الگوی چهارم: پدر مهربان و آرام، مادر مهربان و آرام

الگوی چهارم: پدر مهربان و آرام، مادر مهربان و آرام

این الگو، الگوی مطلوب فرزندان است. در چنین خانواده ای، روابط صمیمی و همراه با احترام و تفاهم حکم فرما است. شاید الگوی چهارم را بتوان «خانواده خویشتن ساز» لقب داد. والدین خویشتن ساز به نوجوان خود کمک می کنند تا خلّاق باشد، به روابط شخصی خود اهمیت دهد، از خویشتن آگاه باشد و بر این اساس عمل کند.(۱)

یک خانواده در صورتی می تواند در تربیت فرزندان خود الگویی صحیح و موفق باشد که از شرایط ویژه ای بهره ببرد. مهم ترین شرایط و ویژگی ها عبارتند از:

یک _ الگوی صحیح و موفق خانواده به گونه ای است که فرزند در آن احساس می کند پدر و مادر بیشترین تلاش خود را برای تربیت او و برادران و خواهرانش به کار می برند.

دو _ پدر و مادر باید الگوی عملی همه آن چیزهایی باشند که به فرزندانشان می گویند و از آنان انتظار دارند.

سه _ کودک باید مورد پذیرش و کانون عشق و توجه باشد و خود کودک نیز به

۱- سیداحمد احمدی، مسائل نوجوانان و جوان، صص ۳۶ _ ۳۸.

خوبی از این موردِ توجه و پذیرش بودن آگاه باشد.

چهار ـ فرزند نسبت به پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده احساس تعلّق و وابستگی کند و خود را بخش مهمی از شبکه خانواده به شمار آورد.

پنج ـ کودک از آزادی متناسب با سن و نیازهای خود در چارچوب ضوابط اخلاقی و تربیتی متعادل بهره مند باشد.

شش ـ مسئولیت های متناسب با توانایی و سن به فرزند داده شود.

هفت ـ فرزند بتواند آنچه را احساس می کند، بدون ترس و واهمه برای پدر و مادر خود بیان کند.

هشت ـ افکارش را بتواند با والدین خود در میان بگذارد و از تجربه تبادل نظر و فکر با والدین خود بهره مند شود.

نه ـ متناسب با سن و توان خود در برنامه ریزی های خانواده سهیم باشد و دست کم در پاره ای از تصمیم ها دخالت کند.

ده ـ والدین، اشتباه ها و خطاهای فرزندان را بدون تنبیه بدنی و تمسخر، بهبود و اصلاح کنند.

یازده ـ پدر و مادر، با رابطه گرم و صمیمانه با یکدیگر، فضای خانه را به گونه ای مطلوب و شایسته کنند که در آن همه افراد همدیگر را دوست بدارند و به یکدیگر کمک کنند.

دوازده ـ پدر و مادر با مهربانی و تشویق، زمینه های اعتقادی و رفتارهای مذهبی را در آنان پرورش دهند.

سیزده ـ پدر و مادر انتظارهای خود از فرزندانشان را متناسب با سن و توان آنها و آنچه خود به ایشان آموخته اند، تنظیم کنند.

چهارده ـ پاره ای از یادگیری ها به دلیل بی تجربگی و ناآگاهی فرزند همیشه با موفقیت همراه نخواهد بود. پس پدر و مادر بکوشند به جای شکست ها و خطاهای

بیشتر، بر موفقیت ها و پیشرفت های او تکیه کنند.(۱)

ب) تلویزیون، الگوی برجسته یادگیری مشاهده ای

ب) تلویزیون، الگوی برجسته یادگیری مشاهده ای

افزون بر والدین که بی تردید، گستره اثرگذاری آنها بسیار زیاد است، شاید بتوان گفت که تأثیر آموزه های برخی رسانه های تصویری به ویژه تلویزیون، کمتر از والدین نیست. در دوران حاضر، کمتر خانواده ای را می توان یافت که روزانه دست کم ۵ تا ۶ ساعت به تماشای تلویزیون نپردازند. پس بی جا نیست اگر تلویزیون را رقیب جدی خانواده از نظر اثرگذاری به شمار آوریم. از آنجا که امروزه تلویزیون در خانواده ها حضوری فعال دارد و یادگیری افراد خانواده و الگوپذیری آنها بیشتر بر اساس یادگیری مشاهده ای است، لازم است درباره نظریه یادگیری مشاهده ای و تأثیر تلویزیون در این گونه یادگیری توضیح داده شود.

بندورا به بررسی یادگیری های انسان از راه دیدن و تقلید پرداخته است. او این نوع یادگیری را مهم ترین عامل رشد و یادگیری به شمار می آورد.(۲) وی معتقد است که در یادگیری از راه مشاهده، چهار فرآیند وجود دارد:

یک ـ توجه: یادگیرنده یا مشاهده کننده به الگو یا سرمشق که معمولاً انسان زنده در حال انجام کار است، توجه می کند.

دو ـ به یادسپاری: یادگیرنده، رفتاری را که مشاهده می کند، به طور شناختی بازنمایی می کند؛ یعنی آن را به حافظه می سپارد.

سه ـ بازآفرینی حرکتی: اگر یادگیرنده توانایی های لازم را داشته باشد، رفتار

۱- سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، صص ۱۷ و ۱۸.

۲- محمدحسین قدیری نوکابادی، مقاله «نقش الگوها در امروزی شدن»، مجله حدیث زندگی، ش ۱۳، مهر و آبان ۱۳۸۲، ص ۳۵، به نقل از: پروین کدیور، روان شناسی اخلاق، تهران آگاه، سال ۱۳۷۸، صص ۱۰۲ و ۱۰۸.

مشاهده شده را تولید و اصلاح می کند.

چهار ـ انگیزش: در شرایط مناسب، انگیزش و تشویق یادگیرنده، رفتاری را که مشاهده کرده است، به عملکرد تبدیل می کند.(۱)

در نظریه یادگیری اجتماعی، یادگیری به شرح زیر صورت می گیرد: یادگیرنده (یعنی مشاهده کننده) وقتی می بیند شخصی برای انجام رفتاری، پاداش یا تقویت دریافت می کند، آن رفتار را می آموزد. به این نوع پاداش یا تقویت، «تقویت جانشینی»(۲) می گویند. برای نمونه، وقتی آموزگار، یکی ازدانش آموزان کلاس را برای حل کردن مسئله ای از یک راه تازه تقویت می کند، دیگر دانش آموزان، روش این دانش آموز را سرمشق قرار می دهند و می کوشند تا همان راه حل را در مسائل خود به کار بندند.

در یادگیری از راه مشاهده، افزون بر تقویت جانشینی، «تنبیه جانشینی»(۳)هم مؤثر است. برای نمونه، اگر مأمور راهنمایی و رانندگی، راننده ای را به سبب سرعت زیاد در یک خیابان درون شهری، جریمه کند، رانندگان دیگری که شاهد این جریان هستند، هنگام رانندگی در آن خیابان، قانون را رعایت خواهند کرد. بنابراین، اگر رفتار الگو یا شخصی که سرمشق قرار می گیرد، با تقویت یا تنبیه دنبال شود، این تقویت و تنبیه بر رفتار شخصی که آن رفتار را می بیند، تأثیر می گذارد. اگر رفتار سرمشق با تقویت دنبال شود، احتمال انجام آن رفتار از سوی مشاهده کننده افزایش می یابد. اگر رفتار سرمشق با تنبیه روبه رو شود، احتمال انجام آن رفتار از سوی بیننده کاهش می یابد.

آزمایش زیر این مطلب را تأیید می کند:

۱- روان شناسی پرورشی، ص ۲۸۹.

۲- Vicarious reinforcement.۳.

۳- Vicarious panishment.۴.

تعـدادی پسـر و دختر به طور تصادفی به سه گروه تقسـیم شدنـد. هر سه گروه به تماشای فیلمی پرداختنـد که در آن، سرمشـق (بـازیگر فیلم که انسـان بزرگ سال بود) رفتار پرخاشـگرانه ای داشت؛ یعنی به یک عروسک بزرگ مُشت و لگـد می زد. در فیلمی که یکی از این سه گروه کودکان می دیـد، سـرمشق به خاطر پرخاشـگری هایش به شدت تنبیه می شد. در فیلم دیگری که به گروه دوم نشان داده شد، بازیگر یا سـرمشق برای انجام اعمال پرخاشگرانه اش به مقدار زیادی تقویت دریافت می کرد. در فیلمی که برای گروه سوم (گروه گواه) پخش گردید، پی آمدهای پرخاشـگری برای الگو، خنثی بود؛ یعنی الگو یا سرمشق برای رفتار پرخاشگرانه اش، نه تقویت می شد و نه تنبیه.

سپس آزمون رفتـار تقلیـدی از آزمودنی هـا به عمـل آمـد. در این آزمون، کودکـان هر سه گروه با همان عروسک نشان داده شده در فیلم روبه رو شدند و پرخاشـگری شان نسـبت به عروسک اندازه گیری شد. کودکانی که شاهد تقویت رفتار سرمشـق بودنـد، نسبت به کودکانی که شاهـد تنبیه رفتار سـرمشق بودنـد، رفتار پرخاشـگرانه بیشتری از خود نشان دادند. به بیان دیگر، کودکانی که شاهـد فیلمی بودند که در آن الگو تقویت شده بود، بیشترین میزان پرخاشـگری را از خود نشان دادند. کودکانی که شاهـد فیلمی بودنـد که در آن الگو تنبیه شـده بود، کمترین میزان پرخاشـگری را از خود بروز دادنـد. کودکـانی که شاهد فیلمی بودنـد که در آن پی آمـدهای رفتار الگو خنثی بود، از لحاظ میزان پرخاشـگری در حد متوسط میان دو گروه دیگر قرار داشتند. این آزمایش به روشنی نشان داد که الگوبرداری، بر رفتار کسانی که شاهد رفتار الگو هستند، اثر می گذارد.

آلبرت بنـدورا، یکی از نظریه پردازان یادگیری اجتماعی، معتقـد است که روزنامه، تلویزیون و سـینما بسـیار آموزنده اند، ولی ممکن است بسیار مخرب باشند و بزرگ ترین تأثیر مخرب رسانه ها به ویژه سینما و تلویزیون، ایجاد پرخاشگری است.

شواهد جمع آوری شده در سال های ۱۹۷۰ _ ۱۹۸۰ نشان می دهد که خشونت تلویزیونی با پرخاشگری کودکان، هم بستگی مثبت بسیار بالایی دارد. ارون، لفکو ویتز و والدر در نتیجه گیری از مطالعاتی که در این باره انجام دادند، گزارش کرده اند که تماشای تلویزیون ممکن است حتی بعد از گذشت ده سال، تأثیرش را بر رفتار پرخاشگرانه حفظ کند.

بندورا درباره خشونت در برنامه های تلویزیونی این گونه نتیجه گیری کرده است:

نتیجه تحلیل برنامه های تلویزیونی نشان می دهد که رفتارهای خشونت آمیز، بیشتر به صورت رفتار مجاز پذیرفته شده، جلوه داده می شوند. توجیه خشونت در برنامه های نمایشی، بیشتر بر راه حل های خشونت آمیز استوار است. در این برنامه ها، خشونت، پاداش دریافت می کند و حتی به اَبَرقهرمان ها نسبت داده می شود که به سرعت و سهولت، رقیبان خود را از میان بر می دارند. گویی کشتن بنی آدم هیچ اهمیتی ندارد.(۱)

۱- علی اکبر سیف، روان شناسی پرورشی، صص ۲۸۲ _ ۲۹۰.

فصل سوم: آسیب شناسی تقلید از الگوها

اشاره

فصل سوم: آسیب شناسی تقلید از الگوها

از نظر آموزه های اسلامی، هدف اصلی تقلید و پیروی از الگوها، دست یابی به حق و حقیقت از راه رشد و تعالی فکری و معرفتی است. متون گوناگونی از قرآن و حدیث، اثبات کننده این موضوع هستند:

أَفَمَنْ یَهْدی إِلَی الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ یُتَّبَعَ أَمَّنْ لا یَهِدّی إِلاّ أَنْ یُهْدی فَما لَکُمْ کَیْفَ تَحْکُمُونَ. (یونس: ۳۵)

آیا آن که خلق را به راه حق رهبری می کند، سزاوارتر به پیروی است یا آن که هدایت نمی کند مگر آنکه خود هدایت شود. پس شما مشرکان را چه شده و چگونه چنین قضاوت می کنید؟

در روایتی نیز این گونه نقل شده است:

انسان کامل و خوب، فردی است که هوای نفس خود را تابع امر خداوند قرار دهد و نیروهایش را در راه رضایت خدا صرف کند. خواری همراه با حق را از عزت در راه باطل، نزدیک تر به دست یابی عزت ابدی بداند. پس چنین انسانی بهترین انسان است. به او تمسک جویید و به راه و روش او اقتدا کنید.(۱)

ص: ۵۱

۱- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۵۸، واژه تقلید.

حضرت موسی علیه السلام نیز در رویارویی با خضر علیه السلام، هدف پیروی خود از خضر را بهره مند شدن از آموزش همراه با رشد و تعالی ذکر می کند: «قالَ لَهُ مُوسی هَلْ أَتَّبِعُکَ عَلی أَنْ تُعَلِّمَنی مِمّا عُلِّمْتَ رُشْدًا». (کهف: ۶۶)

بنابراین، می توان گفت حق محوری در همه تقلیدها پیش فرضی اساسی است، ولی گاهی به دلیل برخی اشتباه ها، این تقلیدها از مسیر حق محوری خارج می گردد. هر انسانی براساس نظام ارزشی خود، کمال را در چیزی می بیند و بنا بر فطرت کمال جوی خویش، در پی کسانی به راه می افتد که این کمال را دارا هستند. او می کوشد با پیروی از ایشان، به سوی کمال حرکت کند، ولی در این روند ممکن است با آسیب هایی روبه رو شود. انتخاب الگوی مطلوب در گرو شناخت مصداق کمال، شناخت مصداق اسوه کامل و شناخت محدوده شایستگی های الگو است. اشتباه در هر یک از این سه نوع شناخت، ممکن است ما را به اسوه هایی نالایق و الگوهایی دروغین رهنمون سازد و سبب خسارت مادی و معنوی شود.(۱)

۱. اشتباه در تشخیص مصداق کمال

۱. اشتباه در تشخیص مصداق کمال

گاهی ممکن است مقلد در تشخیص مصداق کمال دچار اشتباه شود. مثلاً ممکن است فردی بپندارد کمال انسان در پول داری و ثروتمندی است. طبیعی است چنین فردی، پول داران و ثروتمندان را الگوی خود می انگارد، به آنان می گراید و می کوشد به آنان شبیه شود. در نتیجه، به فقیران به سبب فقر و ناداری توجه نمی کند و از آنان می گریزد. او می کوشد تا آنجا که می تواند شبیه آنها نباشد. قرآن کریم نقل

۱- محمدتقی مصباح یزدی، جامی از زلال کوثر، ص ۶۹؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صص ۲۲۱ _ ۲۲۳.

می کند که قوم نوح دچار چنین پنداری بودند. ازاین رو، مستمندان و تنگ دستان را پست می شمردند. وانگهی پیروی آنان را از حضرت نوح علیه السلام، دلیل بطلان کیش و آیین وی و علت ایمان نیاوردن خود قلمداد می کردند: «وَ ما نَراکَ اتَّبَعَکَ إِلاَّ الَّذینَ هُمْ أَراذِلُنا بادِیَ الرَّأْیِ؛ نمی بینم جز کسانی که فرومایگان سبک سر (سطحی اندیش) قوم ما هستند، پیروی تو کرده باشند». (هود: ۲۷) یا «قالُوا أَ نُؤْمِنُ لَکَ وَ اتَّبَعَکَ الْأَرْذَلُونَ؛ آیا به تو (نوح) ایمان بیاوریم، در حالی که انسان های فقیر و فرومایه از تو پیروی کرده اند». (شعرا: ۱۱۱)

در صدر اسلام نیز منافقان، مردم مؤمن را به سبب محرومیت های مادی و دنیایی، سفیه و ضعیف العقل می دانستند و از اینکه در حلقه آنان درآیند، ننگ داشتند و می گفتند: «أَ نُؤْمِنُ کَما آمَنَ السُّفَهاءُ؛ آیا همانگونه که افراد ضعیف العقل و فقیر ایمان آوردند، ما نیز ایمان بیاوریم». (بقره: ۱۱۳)

کافران، فقر و عقب افتادگی اقتصادی و مالی مؤمنان را دلیل نقص و ضعف عقلی و فرهنگی شان می پنداشتند و استدلال می کردند که ایمان آوردن این ناقص عقلانِ سطحی اندیش، خود، نشان دهنده حقانیت نداشتن این دعوت و دین است:

وَ قالَ الَّذینَ کَفَرُوا لِلَّذینَ آمَنُوا لَوْ کانَ خَیْرًا ما سَبَقُونا إِلَیْهِ. (احقاف: ۱۱۱)

افرادی که کفر ورزیدند، درباره اشخاصی که ایمان آوردند، می گویند اگر این دین خوب بود، آنان بر ما پیشی نمی گرفتند.

به همین سبب، بارها به پیامبر گرامی اسلام پیشنهاد می کردند که ژنده پوشان پابرهنه را از اطراف خود بپراکند تا با او به گفت و شنود بنشینند.

۲. اشتباه در تعیین مصداق اسوه کامل

۲. اشتباه در تعیین مصداق اسوه کامل

گاهی انسان ها در این زمینه که چه اسوه هایی کمال لازم را برای الگوگیری دارند، دچار اشتباه می شوند. برای مثال، اگر دانش را مصداق کمال بدانیم، باز جای

این اشتباه است که افرادی را که در واقع دانشمند نیستند، دانشمند بپنداریم و مقلدشان شویم. در زمینه هیچ یک از علوم و معارف، کارشناسان راستین به آسانی شناخته نمی شوند و همواره ممکن است عالم نمایان جاهل و گندم نمایان جوفروش، مردم را بفریبند.(۱)

۳. اشتباه در محدوده شایستگی های الگوها

اشاره

۳. اشتباه در محدوده شایستگی های الگوها

این اشتباه وقتی رخ می دهد که الگو و مرجعی را که به حق در زمینه معینی صاحب نظر است، در دیگر زمینه ها نیز الگوی خویش بپنداریم، یا برعکس، فردی را صرفا به دلیل آنکه در زمینه ای خاص، کاردان نیست، لایق الگو بودن در هیچ قلمرویی ندانیم.

از سه اشتباه یادشده، اشتباه سوم در میان مردم به ویژه جوانان بیشتر رایج است که می توان آن را «مغالطه الگویی» نامید. مغالطه الگویی بر اثر تعمیم بخشی نادرست الگوها و بی توجهی به محدوده شایستگی های هر یک از آنها پیش می آید. معرفی الگوهای کامل یا دست کم چند بُعدی، تا حدودی از مشکلات این اشتباه و آفت جلوگیری می کند. تردیدی نیست که اشتباه های یاد شده، به ویژه اشتباه سوم، سبب پدید آمدن آفت هایی در زمینه تقلید می شود که مهم ترین آنها عبارتند از:

الف) شخصیت گرایی

الف) شخصیت گرایی

شخصیت گرایی به این معناست که بخواهیم از فردی که در برخی جنبه های اخلاقی یا علمی دارای کمال است، به طور مطلق در همه زمینه ها پیروی کنیم بدون اینکه واقعا در دیگر زمینه ها شایستگی داشته باشد. مثلاً اشخاصی بخواهند در مسائل اجتماعی و سیاسی، از برتراند راسل، ریاضی دان، منطقی و فیلسوف انگلیسی؛ در

ص :۵۴

۱- جامی از زلال کوثر، ص ۶۹.

مسائل فلسفی و کلامی، از فیزیک دانانی مانند: انیشتین آلمانی یا ماکس پلانک آلمانی؛ یا در مسائل کلامی، دینی و اخلاقی از الکسیس کارل، زیست شناس فرانسوی پیروی کنند و دیدگاه آنان را در زمینه هایی که تخصص ندارند، بپذیرند. اینان از این غافل هستند که برتری مسلّم و انکارناپذیر هر یک از این شخصیت ها در رشته مطالعاتی و تحقیقاتی خود، نمی تواند سبب اعتباربخشی به گفته های آنان در دیگر رشته ها هم باشد.(۱)

ناشایسته تر آنکه گاهی مثلاً با ورزش کار و قهرمان وزنه برداری که هیچ تخصصی در زمینه اقتصاد ندارد، مصاحبه می کنند و نظر او را درباره تورم و اشتغال جویا می شوند. همچنین درباره نظریه ای دینی به سراغ یک سیاستمدار یا هنرپیشه می روند و از او نظرخواهی می کنند و نظر او را به عنوان رأی صحیح ارائه می دهند.(۲)

نوجوان و جوانی که شیفته مقام علمی، معنوی، هنری و ورزشی فردی می شود و در نتیجه این شیفتگی، درصدد برمی آید که حتی در لباس پوشیدن، نشست و برخاست، راه رفتن و سخن گفتن از او تقلید کند، در حقیقت، به آفت شخصیت گرایی دچار شده است. این همان اشتباهی است که آموزه های اسلامی آشکارا نسبت به آن هشدار داده اند. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

بر حذر باش از اینکه انسانی را بدون دلیل و حجت به عنوان الگوی خود بپذیری و او را در هرچه می گوید، تصدیق کنی.(۳)

در روایت دیگری نقل شده است:

یا دانشمند یا دانشجو باش، ولی امّعه (کسی که بدون دلیل از هر فردی

ص: ۵۵

۱- جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صص ۲۲۲ و ۲۲۳.

۲- نقش تقلید در زندگی انسان، صص ۴۹ و ۵۰.

۳- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۵۵، واژه تقلید.

تبعیت می کند) مباش.(۱)

در حقیقت، معنای روایت یاد شده به روایتی معروف از امیرالمؤمنین علی علیه السلامشبیه است که فرمود:

مردم سه دسته اند: عالم ربانی و الهی و طالب علم و آموزنده ای که بر راه نجات و رهایی یافتن است و مگسان احمقی که هر آوازکننده ای را پیروند و با هر بادی می روند. از نور دانش روشنی نطلبیده اند و به پایه استواری پناه نبرده اند.(۲)

«همج رعاع»(۳) در بخش آخر این روایت، در واقع تفسیر همان «امّعه» است که در روایت پیش به آن اشاره شد.(۴)

قرآن کریم نیز به عنوان یک واقعیت و نه یک امر صحیح، بسیاری از انسان ها را مقلد شخصیت ها و چهره های معتبر اجتماعی می داند که شایستگی تقلید ندارند و سبب گمراهی افراد می شوند. برای مثال، خداوند از قول کافران دوزخی چنین نقل کرده است: «رَبَّنا إِنّا أَطَعْنا سادَتَنا وَ كُبَراءَنا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلاَ؛ پروردگارا، ما مهتران و بزرگان خویش را فرمان بردیم و آنان ما را گمراه ساختند». (احزاب: ۶۷)

از امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز نقل شده است:

۱- همان. «الامّعه الذی لا رأی له فهو یتابع کل احد علی رایه و الهاء فیه للمبالغه و یقال فیه امّعایضا»، ابن اثیر، النهایه، ج ۱، ص ۶۷.

۲- نهج البلاغه صبحی صالح، حکمت ۱۴۷.

۳- مگس های احقمی که از هر سو صدایی بلند شود و از هر جهت باد بوزد، بدون توجه و تأمل، به دنبال آن صدا و باد حرکت می کنند.

۴- برای آگاهی بیشتر درباره معنای روایت قبل و تشابه آن با این روایت نک: محمد محمدی ری شهری، مبانی شناخت، صص ۳۹ _ ۴۱.

إنَّ دينَ اللّهِ لا يُعرَفُ بِالرِّجالِ بَلْ بِآيِهِ الْحَقِّ فَاعْرِفْ الْحَقَّ تَعرِفْ أهلَه.(1)

همانا دین خداوند به وسیله شخصیت ها شناخته نمی شود، بلکه به وسیله آیت حق شناخته می شود. پس حق را بشناس که آن گاه اهل حق را خواهی شناخت.

در روایت دیگری نیز آمده است:

مَنْ دَخلَ هذَا الدِّينَ بِالرِّجالِ اَخْرَجَهُ مِنْه الرِّجالُ كَما اَدْخَلُوهُ فِيه وَ مَنْ دَخَلَ فِيه بِالْكِتابِ وَ السُّنَّهِ زالَتْ الْجبالُ قَبْلَ اَنْ يَزُول.(2)

هرفردی که با پیروی از شخصیت ها وارد دین اسلام گردد، شخصیت ها، او را از دین خارج خواهند کرد همان گونه که او را داخل دین کرده اند و هر فردی که به سبب پیروی از معارف کتاب وسنت در دین داخل شود، پیش از اینکه او بلرزد، کوه ها می لرزند (اشاره به شدت استواری این گونه افراد در دین داری است).

همچنین از امیرمؤمنان امام علی علیه السلام روایت شده است:

ألا فَالْحذَر الْحذرَ مِنْ طاعَهِ ساداتِكُمْ وَ كُبرائِكمُ الَّذينَ تَكَبَّرُوا عَنْ حَسَبِهِم وَ تَرَفَّعُوا فَوقَ نَسَبِهِم.(3)

متوجه باشید، پس بر حذر باشید و دوری کنید از پیروی کردن از بزرگان و افرادی که به سبب شرف خویش احساس بزرگی کردند و افرادی که بیش از قرابت خود احساس رفعت مقام کردند.

افراد و شخصیت هایی که انسان ها به جای تقلید و پیروی از حق، از آنها پیروی می کنند؛ مصداق های گوناگونی دارند که یکی از نخستین مصداق ها، پدر و مادر

۱- شیخ مفید، کتاب الامالی، ص ۵.

۲- همان.

۳- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۹۲، ص ۲۸۹.

هستند. قرآن، از یک سو انسان را به احسان و نیکی به والـدین سـفارش می کنـد: «وَ وَصَّیْنَا ٱلْإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ إِحْساناً». (احقاف: ۱۵)

از سوی دیگر، بنا به گفته برخی روایت ها، والدین در انتخاب دین فرزند، نقش تعیین کننده ای دارند.

ما مِنْ مَوْلَدٍ وُلِدَ إلاّ عَلَی الْفِطْرَهِ فَاَبواهُ یُهَوِّدانِهِ وَ یُنَصِّرانِهِ وَ یُمَجِّسانِهِ.(۱)

هیـچ مولـودی نیسـت مگر اینکـه بر فطرت الهی متولـد می شـود. پس ایـن والـدین او هسـتند که (بر اثر تربیت نـادرست) او را یهودی، مسیحی و مجوسی می کنند.

اما به دلیل اثرپـذیری گسترده فرزنـدان از والدین، از دیدگاه قرآن، اطاعت از پدر و مادر به شـکل مطلق نیست، بلکه به خارج نشدن آنها از مسیر صحیح و حق، محدود است، به گونه ای که باعث شرک ورزی فرزندان نشود. قرآن مجید می فرماید:

وَ إِنْ جاهَـداکَ عَلی أَنْ تُشْـرِکَ بی مـا لَیْسَ لَـکَ بِهِ عِلْمٌ فَلاـ تُطِعْهُمـا وَ صاحِبْهُمـا فِی الـدُّنْیا مَعْرُوفًا وَ اتَّبِعْ سَبیلَ مَنْ أَنابَ إِلَیَّ. (لقمان: ۱۵)

و اگر پـدر و مادر، تو را بر شـرک به خـدا که آن را حق نمی دانی، وادار کنند، دیگر امر آنها را اطاعت مکن، و لی در دنیا با آنها به حسن خلق رفتار کن و از راه آن کس که به درگاه ما رجوع و انابه اش بسیار است، پیروی کن.

ب) تقلید کورکورانه

ب) تقلید کورکورانه

خداوند می فرماید:

وَ کَذلِکَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِکَ فی قَرْیَهٍ مِنْ نَذیرٍ إِلاّ قالَ مُتْرَفُوها إِنّا

۱- بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۶۵ ، ح ۸ . این روایت با اندکی اختلاف در الفاظ در تفسیر ابوالفتوح رازی، تصـحیح الهی قمشـه ای، ج ۱، ص ۳۳۵ نیز نقل شده است.

وَجَدْنا آباءَنا عَلی أُمَّهٍ وَ إِنّا عَلی آثارِهِمْ مُقْتَدُونَ. (زخرف: ۲۳)

و همچنین پیش از تو در هیچ شهری بیم دهنده ای نفرستادیم مگر آنکه توانگران و کامرانانش (خوش گذران آن شهر) گفتند که ما پدران خود را بر آیینی یافته ایم و از پی ایشان می رویم.

همچنین قرآن کریم، حکایت افرادی را بیان می کند که وقتی به سوی خدا و رسول دعوت می شوند، می گویند راه و روش پدران ما برای ما کافی است. سپس در نهایت می گوید آیا اگر پدران آنها جاهل و منحرف بودند، باز هم به پیروی از روش پدران خویش بسنده می کردند.

وَ إِذا قیلَ لَهُمْ تَعالَوْا إِلی ما أَنْزَلَ اللّهُ وَ إِلَی الرَّسُولِ قالُوا حَسْبُنا ما وَجَدْنا عَلَیْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ کانَ آباؤُهُمْ لا یَعْلَمُونَ شَیْئًا وَ لا یَهْتَدُونَ. (مائده: ۱۰۴)(۱)

شکی نیست که بسیاری از آیین ها و سنت هایی که پیش از انقلاب اسلامی در کشور ما وجود داشت (نظیر چهارشنبه سوری) پوچ و باطل است. برخی که در پی تقلید از گذشتگان و احیای آثار نیاکان خود هستند، در پی احیا و ترویج چنین سنت هایی هستند و مردم را به پیروی از چنین سنت هایی تشویق می کنند. آنان فقط به این دلیل که سنت چهارشنبه سوری و پریدن از روی آتش، روش نیاکان آنها و یک سنت ملی است، حاضر می شوند از روی آتش بپرند، در حالی که این کار نه فایده ای دارد و نه منطق آن را تأیید می کند؟

برپایی مراسم شب چهارشنبه سوری علاوه بر آتش سوزی هایی که در پی دارد، زمینه را برای اختلاط دختران و پسران و ارتباط های نامشروع آنها فراهم می آورد. بدون تردید، حفظ این سنت های پوچ و بی ارزش، منطقی جز تعصب و تقلید

۱- نک: اعراف: ۲۸؛ یونس: ۵۳ و ۵۴؛ انبیاء: ۷۴؛ شعراء: ۲۱؛ لقمان: ۲۳ و ۲۴.

کورکورانه ندارد و در قرآن محکوم شده است.(۱)

نمونه دیگر اینکه مثلاً وقتی ورزش کاری، لباسی را بپوشد، برخی جوانان، همان مد لباس را انتخاب می کنند و می پوشند، بدون اینکه بدانند چرا آن ورزش کار آن مد ویژه را انتخاب کرده است. همچنین وقتی ببینند فلان ستاره سینما، موهایش را به شکل خاصی آرایش کرده است، عده ای موهایشان را به همان شکل اصلاح می کنند که اینها تقلید کورکورانه است. انسان باید برای گزینش های خودش، منطق و استدلال داشته باشد. اگر کسی از روی هوس یا سلیقه، فرمی را برای موها و لباسش انتخاب کرد، نباید دیگران از او تقلید کنند، بلکه افراد باید برای انتخاب خود استدلال درست داشته باشند و بکوشند خودشان بر اساس مبنای صحیح انتخاب کنند.

ج) پیروی از اکثریت

ج) پیروی از اکثریت

بیشتر مردم در عقیده و عمل خاص، از اکثریت پیروی می کنند بدون اینکه بررسی کنند آیا عقیده یا عمل آن اکثریت، حق و صحیح و منطقی است یا نه؟

هم نوایی و هم صدایی با یک رأی و عقیده که بیشترین طرفدار را دارد، بدون در نظر گرفتن اینکه آن عقیده، حق یا باطل است، از آفت های مهم تقلید به شمار می رود. هم نوایی؛ یعنی تغییر در رفتار یا باورهای فرد که در مباحث کنترل اجتماعی گروه یا جامعه قرار می گیرد.(۲)

مهم ترین دلیل هم نوایی را باید شیفتگی نسبت به اکثریت و وحشت از تنهایی و ماندن در اقلیت دانست.(۳) از امیرمؤمنان علی علیه السلام در روایتی نقل شده است:

۱- نقش تقلید در زندگی انسان، ص ۶۳.

۲- علی سلیمی و محمد داوری، جامعه شناسی کج روی، ص ۵۷۱.

۳- کاویانی، ارزش یابی مفاهیم روان شناسی اجتماعی از دیدگاه قرآن، ص ۱۴۶.

یا أَیُّها النّاسُ لاَ تَسْتَوْحِشُوا فِی طَرِیقِ الْهُدی لِقِّلَهِ أهلِه.(۱)

ای مردم، در طریق هدایت و حق، از کم بودن پیروان، هراس به خود راه ندهید.

براساس این حدیث، ملاک و معیار اساسی، یافتن مسیر هدایت و حق است. پس از اینکه انسان راه حق را شناخت و در مسیر هدایت قرار گرفت، نباید از کمی همراهان و پیروان بهراسد. همچنین نباید فراوانی طرفداران یک عقیده را دلیل حقانیت آن عقیده بپندارد. برخی انسان ها در هر کاری با اکثریت هم نوا می شوند که این ناشی از همین پندار و گمان باطل است. گاهی نیز به این ضرب المثل معروف، ولی نادرست استناد می کنند که: «خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو».(۲)

ملاک حقانیت و درستی یک رأی و نظر بر خلاف آنچه لیبرال دموکراسی پوچ و دروغین غرب القا می کند،(۳) فراوانی عددی طرفداران یک اندیشه نیست، بلکه حقانیت یک رأی به وجود شواهد و قراین و مطابقت آن با برهان و استدلال بستگی دارد. بنابراین، کم یا زیاد بودن طرفداران تأثیری در درست یا غلط بودن آن ندارد. علامه طباطبایی رحمه الله در این باره می نویسد:

آرای اکثریت در برابر آرای اقلیت، همیشه حق نیست، بلکه ممکن است در موضوعی با حق هم سو باشد و ممکن است در موارد دیگر چنین نباشد. شایسته نیست انسان خود را همواره سرسپرده اکثریت بداند و رأی

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۲۰۱.

۲- استاد آیت الله جوادی آملی در سر درس، این شعر را این گونه تصحیح کرد: «خواهی نشوی رسوا، هم رنگ حقیقت شو». هم رنگی با جماعت یکی از موضوع های فرعی روان شناسی اجتماعی است. در این زمینه نک: حمید لطفی، روان شناسی هم رنگی با جماعت، روان شناسی اجتماعی نظریه و کاربردها.

۳- برای پی بردن به دروغ و پوچ بودن ادعای دموکراسی غربی نک: مقالات کتاب نقد، ش ۲۰ و ۲۱ ویژه دموکراسی، از جمله: فؤاد دانشور، مقاله «شریعتی و نقد دموکراسی».

آنـان را میزان و معیـار درسـتی آن قرار دهـد. آنچه ضـرورت دارد، شـناخت حق و پیروی از آن است؛ چه مطـابق بـا خواسـت اکثریت باشد یا نباشد.(۱)

امام کاظم علیه السـلام با اسـتناد به آیه های گوناگون در توصیف عقل، خطاب به هشام بن حکم می فرماید خداوند در قرآن، اکثریت را نکوهش و اقلیّت را ستوده است:(۲)

یـا هشامُ، ثُمَّ ذَمَّ الْکَثْرَهَ فَقالَ «وَ اِن تُطعْ أکثر مَنْ فِی الْأَرضِ یُضِلُّوکَ عَنْ سَبیلِ اللّه » وَ قال «وَ لٰکِنْ أَکثَرُهُم لا یَعْلَمُون». یا هشامُ، ثم مَدَحَ الْقِلَّهَ فَقالَ «وَ قَلِیلٌ مِنْ عِبادیَ الشَّکُور». وَ قالَ: «وَ قَلِیلٌ ما هُمْ» وَ قالَ: «وَ ما آمَنَ مَعَهُ إلاّ قَلیلٌ».

ای هشام، خداوند، اکثریت را در قرآن نکوهیده و فرموده است: اگر از اکثر مردم روی زمین اطاعت کنی، تو را از راه خداوند گمراه می کنند(۳) و فرموده است: بیشتر مردم علم و آگاهی ندارند.(۴) ای هشام، سپس خدا اقلیت را ستایش کرده و فرموده است: بندگان شاکر من کم هسـتند(۵) و انسـان های مؤمن و دارای عمل صالـح کم هسـتند(۶) و فرمود: ایمان نیاوردنـد به او (حضرت نوح علیه السلام) مگر عده اندکی.(۷)

افزون بر آیه های یاد شده، در موارد دیگری نیز در قرآن(۸) و احادیث بر این

۱- سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۱۰۴.

۲- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۴۹؛ اصول کافی، ج ۱، باب العقل و الجهل.

۳- انعام: ۱۱۶.

۴- انعام: ۳۷ و آیات متعدد دیگر. نک: المعجم الفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ذیل واژه «اکثر».

۵- سبأ: ۱۳.

۶- ص: ۲۴.

۷- هود: ۴۰.

۸- به عنوان مثال، برخی آیات دیگر که در آنها از اکثریت مذمت و از اقلیت سـتایش شده است، عبارتند از: الف) أَکْثَرَ النّاسِ لا یَشْـکُرُونَ. (بقره: ۲۴۳) ب) أَکْثَرَ النّاسِ لا یَعْلَمُونَ. (اعراف: ۱۸۷) ج) أَکْثَرَ النّاسِ لا یُؤْمِنُونَ. (هود: ۱۷) د) أَنَّ أَکْثَرَکُمْ فاسِقُونَ. (مائده: ۱۹ و آل عمران: ۱۱۰) ه) وَ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْقِلُونَ. (مائده: ۱۰۳) و) وَ ما وَجَدْنا لِأَکْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ. (اعراف: ۱۰۲) ز) أَکْثَرَکُمْ لِلْحَقِّ کـارِهُونَ. زخرف: ۸۷ و مؤمنون: ۷۰ ح) أَکْثَرُهُمْ کاذِبُونَ. (شعرا: ۲۲۳) ط) کانَ أَکْثَرُهُمْ مُشْرِکینَ. (روم: ۴۲) ی) فَلَمّا کُتِبَ عَلَیْهِمُ الْقِتالُ تَوَلَّوْا إِلاّ قَلیلاً مِنْهُمْ. (بقره: ۲۴۶) ک) وَ لا یَذْکُرُونَ اللّهَ إِلاّ قَلیلاً. (آل عمران: ۱۴۲)

واقعیت خارجی تاریخی تأکید شده است که معمولاً ـ اهل حق در اقلیت و اهل باطل در اکثریت بوده اند. از امیرمؤمنان علی علیه السلامدر روایتی نقل شده است: «اَهْلُ الْباطِلِ فِی الْقَدیمِ وَ الْحَدیثِ اَکْثَرُ عَدَدا مِنْ اَهْلِ الْحَقِّ».(۱) حال پرسش مهم این است که اگر ملاک حقانیت یک رأی و عقیده، مطابقت آن با واقع و برخورداری آن از دلیل و منطق صحیح است و اکثریت و اقلیت پیروان یک رأی در حقانیت و بطلان آن تأثیری ندارند، پس چرا در موارد بسیاری، اکثریت در قرآن نکوهش و اقلیت ستایش شده است؟ در پاسخ این پرسش می توان گفت یکی از مهم ترین دلایل نکوهش اکثریت و ستایش اقلیت این است که بیشتر مردم تابع گمان، ظاهرنگری و اعتماد به شایعه ها و حدس ها هستند. در مقابل، تعداد کمی از مردم از دلیل و برهان و منطق پیروی می کنند. همین نکته باعث مدح و ستایش اقلیت و نکوهش اکثریت شده است.(۲)

۱- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۴.

۲- برای آگاهی بیشتر در این زمینه نک: مقاله «جایگاه اکثریت در نظام اسلامی و دموکراسی»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ویژه نامه علوم قرآنی، ص ۱۳۷.

برخی قراین و شواهد، اثبات کننده ادعای یادشده عبارتند از:

۱. در آیه شریفه «وَ إِنْ تُطِعْ أَکْثَرَ مَنْ فِی ٱلْأَرْضِ یُضِلُّوکَ عَنْ سَبیلِ اللّهِ إِنْ یَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ» (انعام: ۱۱۷)، عبارت «إِنْ یَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ» بـه منزلـه علت و تعلیـل است؛ یعنی به این دلیـل که بیشـتر مردم تـابع ظن و گمـان هسـتند، اگر از بیشـتر افراد روی زمین اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند.

۲. تکرار جمله «أَکْثَرَ النّاسِ لاـ یَعْلَمُونَ، وَ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْقِلُونَ...» در پایان بیش از سی آیه قرآن، دلیل و شاهـدی قوی است که این نکوهش به دلیل پیروی از ظن و گمان و بی توجهی به علم و یقین بوده است.

۳. با توجه به فرمایش امام موسـی کاظم علیه السلام و آیه های قرآن آشکار می شود که دلیل نکوهش اکثریت، پیروی آنها از گمـان و جهـل و دلیـل سـتایش اقلیت نیز پیروی آنهـا از علم و قطع است. از جمله دیگر قرینه ها، بخش های گوناگون روایت هشام بن حکم است که امام کاظم علیه السـلام در آنها عقل ورزی را که به علم و قطع می انجامـد، می سـتاید.(۱) برای مثال، ایشان در روایت هشام می فرماید:

ای هشام، اگر گردویی داشـته باشـی و همه گویند لؤلؤ است، سودت ندهد. تو خود می دانی که گردو است و اگر لؤلؤیی در دستت باشد و مردم گویند گردو است، زیانت نرساند. تو خود می دانی که لؤلؤ است.(۲)

د) تضاد و اصطکاک بین رفتار الگوها

د) تضاد و اصطکاک بین رفتار الگوها

در فرآیند شکل گیری شخصیت کودکان و نوجوانان، الگوهای رفتاری، بیشترین نقش را برعهده دارند. یادگیری، اساس رفتار آدمی را تشکیل می دهد و در میان یادگیری ها، یادگیری های غیرمستقیم، ضمنی یا مشاهده ای، پایدارترین و مؤثرترین

۱- نـک: حسـین مهـدی زاده، آیین عقـل ورزی (پژوهشـی در بـاب جایگـاه عقل در تربیت از دیـدگاه امام موسـی کاظم علیه السلام در روایت هشام بن حکم).

۲- تحف العقول، ص ۴۵۰.

یادگیری ها به شمار می روند. البته در این میان، مهم ترین نقش بر عهده الگوهای رفتاری است.

تأثیر شخصیت الگوها در شکل گیری رفتار کودکان و نوجوانان بسیار چشم گیر است. بنابراین، برای کودکان پیش دبستانی و دبستانی که در کنار خانواده ها با الگوهای رفتاری دیگر همچون معلمان در ارتباط هستند، نقش الگوها اهمیت فراوانی می یابد. خمیرمایه شخصیت کودکان در کانون خانواده شکل می گیرد و تقلید از رفتار والدین و دیگر اعضای خانواده از برجسته ترین ویژگی های کودکان در سنین پیش دبستانی است. به همین دلیل، تقلید از رفتار الگوها در زندگی خردسالان آشکارا دیده می شود. هرقدر الگوهای رفتاری در نظر کودکان، شخصیت محبوب تری داشته باشند، رفتارهای کلامی و غیر کلامی آنها بیشتر مورد توجه آنان قرار می گیرد.

آنچه در فرآیند رشد شخصیت کودکان و اثرپذیری آنها از الگوهای رفتاری بسیار حساس است، هماهنگی، همانندی و همراهی الگوها در رشد شخصیت و معیارهای اخلاقی هنگام ورود کودک به مدرسه است. در مقابل، ناهماهنگی و ناهمانندی الگوها سبب بی ثباتی عاطفی، دوگانگی احساس و تعارض های روانی می گردد که از موانع بسیار مهم در فرآیند رشد شخصیت و سازگاری های فردی و اجتماعی است.

وقتی کودک دچار تعارض روانی شود، بیانگر این حقیقت است که در یک یا چند موضوع، مشاهده گر الگوها یا سرمشق های متفاوت یا متضاد بوده است. به همین دلیل، تعادل عاطفی، اطمینان و امنیت خاطرش که سخت به آن نیازمند است، دچار مخاطره شده است. بنابراین، هماهنگی و همانندی الگوهای متعالی رفتاری در محیط خانه و مدرسه، عامل ارضای یکی از اساسی ترین نیازهای فرزندان؛ یعنی بهداشت روانی است.

ص :۶۵

در رویارویی کودک با الگوهای رفتاری متعارض و متناقض، باید توجه داشت که کودک، داور نیست که بخواهد عملکردهای الگوهای بزرگ سال همچون پدر، مادر و معلم را داوری کند. بنابراین، هرگز نباید چنین موقعیت تناقض آمیزی برای او ایجاد شود.(۱)

بر اساس مباحث یاد شده یکی از مهم ترین آفت ها در ناکارآمدسازی تقلید از الگوها، آفت تضاد و اصطکاک میان الگوهاست. منظور از این آفت، برخوردها و تعارض هایی است که میان الگوهای مورد علاقه اسوه پذیر وجود دارد. مثلاً اگر فرزندان خانواده در شیوه تربیت، شاهد تضاد و تعارض میان والدین؛ یعنی الگوهای مورد علاقه خود باشند، آفت تضاد و اصطکاک در الگوها رخ می دهد.

همچنین اگر نوجوان میان نظام رفتاری حاکم بر خانه و مدرسه با رسانه های گروهی تفاوتی ببیند، دچار دوگانگی خواهد شد. در چنین موقعیتی، الگوپذیر چون رشد شناختی مطلوبی ندارد، گرفتار تردید و نگرانی می شود. او نمی داند به اصول و ارزش های خانواده پای بند باشد یا ارزش های اجتماعی و الگوهای مدرسه و جامعه را بپذیرد. نتیجه این دوگانگی الگوها این است که الگوپذیر نسبت به همه ارزش ها بی اعتماد می شود و هرجا مصلحت خویش را بیابد، از همان پیروی می کند. این کار نیز حاصلی جز پرورش روحیه نفاق و دورویی و خودخواهی در پی ندارد.(۲)

ه) لغزش الگوها

ه) لغزش الگوها

مراد از این آفت آن است که الگوها و اسوه های یک جامعه دچار لغزش و انحراف شوند. بدیهی است تأثیر منفی این آفت بسیار زیاد است؛ زیرا گمراهی و

۱- غلام علی افروز، مباحثی در روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، صص ۶۱ _ ۶۸.
۲- مقاله «روش الگویی در تربیت اسلامی»، مجله معرفت، ش ۹، ص ۳۴. گفتنی است آفت های بعدی نیز از بحث آسیب شناسی این مقاله اقتباس شده است.

لغزش الگوها، سبب گمراهی و لغزش عده بسیاری از الگوپذیران می شود. تردیدی نیست که دانشمندان جامعه، یکی از مهم ترین الگوها هستند. حال اگر دانشمندان جامعه دچار لغزش و انحراف شوند، به طور طبیعی، انحراف آنها سبب گمراهی شمار فراوانی از انسان ها خواهد شد. در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین نقل شده است:

زَلَّهُ الْعالِمِ کَإنکِسارِ السَّفینَهِ تَغرِقُ و تُغْرَقُ مَعَها غیرُها.(۱)

لغزش دانشمند مثل شکستن کشتی است که غرق می شود و دیگران نیز با آن غرق می شوند.

حساسیت نقش اثرگذاری دانشمندان به عنوان الگو سبب شده است که در روایت ها نسبت به رفتار آنها سخت گیری شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

یُغفَرُ لِلْجاهِلِ سَبْعُون ذَنبا قَبلَ اَنْ یُغفَرَ لِلْعالِمِ ذَنْبٌ واحِدٌ.(۲)

هفتاد گناه از نادان بخشیده می شود پیش از اینکه یک گناه دانشمند مورد بخشش قرار گیرد.

بـا توجه به اهمیت الگوهـا در اثرگـذاری است که در منـابع اسـلامی، بر تزکیه نفس الگوها و رهبران علمی، عملی، فرهنگی و سیاسـی جامعه به ویژه افرادی که به هر شـکلی با خانـدان رسالت و نبوت و اهل بیت علیهم السـلامارتباط دارنـد، بسـیار تأکید شده است، به گونه ای که جزا و پاداش رفتار آنها نسبت به دیگران دو برابر بیان شده است. در قرآن مجید آمده است:

یا نِساءَ النَّبیِّ! مَنْ یَأْتِ مِنْکُنَّ بِفاحِشَهٍ مُبَیِّنَهٍ یُضاعَفْ لَهَا الْعَذابُ ضِعْفَیْنِ وَ

ص: ۶۷

۱- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۷، ح ۲۳۳.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷، باب لزوم دوجه علمی العالم و تشدید الارم علیه، ح ۱.

كانَ ذلِكَ عَلَى اللّهِ يَسيرًا وَ مَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تَعْمَلْ صالِحًا نُؤْتِها أَجْرَها مَرَّتَيْنِ وَ أَعْتَدْنا لَها رِزْقًا كَريمًا. (احزاب: ۳۰ و ۳۱)

ای زنان پیامبر، از شما هرکه دانسته به کار ناروایی اقدام کند، او را دو برابر دیگران عذاب و عقاب کنند و این برای خدا آسان است و هر که از شما مطیع فرمان خدا و رسول باشد و نیکوکار شود، دو برابر پاداش عطا می کنیم و برای او روزی بسیار نیکو در بهشت ابد فراهم می سازیم.

اینکه در این آیه ها، ثواب و عقاب رفتار نیک و بد زنان پیامبر دو برابر بیان شده، به خاطر آن است که مردم به دلیل منسوب بودن این زنان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آنان را الگوی خویش می دانند.

و) ناهماهنگی میان گفتار و رفتار الگوها

و) ناهماهنگی میان گفتار و رفتار الگوها

مقصود از این آفت آن است که الگوها به باورها و گفته های خود رفتار نکنند و در نتیجه، بین گفتار و رفتار آنها هماهنگی وجود نداشته باشد، به گونه ای که رفتار آنها، باورها و گفته هایشان را تصدیق نکند.

خداوند در قرآن کریم، انسان هایی را که در گفتار، دیگران را به رفتار نیک فرا می خوانند، ولی خود به آن عمل نمی کنند، به شدت نکوهش کرده است:

أَ تَأْمُرُونَ النّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتابَ أَ فَلا تَعْقِلُونَ. (بقره: ۴۶)

آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید، ولی خودتان را از یاد می برید، با اینکه شما کتاب آسمانی را می خوانید؟ آیا شما نمی اندیشید؟

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا! لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ. كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللّهِ أَنْ تَقُولُوا ما لا تَفْعَلُونَ. (صف: ۲ و ۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گویید که عمل نمی کنید؟ مایه خشم خداست که سخنی بگویید که به آن عمل نمی کنید.

در آیه یاد شده، علت نکوهش شدید قرآن این است که گفتار بی عمل، نوعی دروغ گویی و نفاق است که در وجود الگو و مربی ظاهر می شود. این نفاق، از سویی به طور ناخودآگاه به الگوپذیر سرایت و از سوی دیگر، اعتماد او را از الگو و مربی سلب می کند. امام صادق علیه السلام دراین باره می فرماید:

اِنَّ العَالِمَ إذا لَمْ یَعْمَلْ بِعِلْمِه زَلَّتْ مَوْعِظَتُه عَنْ الْقُلُوبِ کَما یَزِلُّ الّمَطَرُ عَنْ الصَّفا.(۱)

هرگاه دانشمند به علم خود عمل نکند، پند و اندرز او در دل ها نفوذ نمی کند، همچنان که باران در سنگ صاف نفوذ نمی کند.

معنای این حدیث در شعر سعدی چنین تجلّی یافته است:

عالمی را که گفت باشد و بس

هرچه گوید، نگیرد اَندر کَس

امیر مؤمنان علی علیه السلام که الگوی همیشه جاوید همه مؤمنان و انسان های وارسته است، سوگند یاد می کند که من چیزی را که خود عمل نمی کنم، به شما نمی گویم.

اَیُّها النّاسُ! إنّی وَ اللّهِ ما أحَثُّکُم عَلَی طَاعَةٍ إلاّ وَ اَسبقَکُم إلَیها وَ لا اَنْهاکُم مِنْ مَعْصِیَةٍ إلاّ وَ اَتَناهَی قَبْلَکُم عَنْها.(۲)

ای مردم، به خدا سوگند، من شما را به طاعتی برنمی انگیزم جز آنکه خود، پیش از شما به انجام آن برمی خیزم و شما را از معصیتی باز نمی دارم جز آنکه خود، پیش از شما آن را فرو می گذارم.

ز) وابستگی فکری به الگوها

ز) وابستگی فکری به الگوها

تقلید از الگوها گاهی سبب می شود که الگوپذیر از نظر فکری وابسته شود و در نتیجه، استقلال فکری خود را از دست دهد. برای مثال، کودک در ابتدای زندگی

۱- همان، ج ۱، ص ۴۶، باب التعامل العلم، ح ۳.
۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵.

برای ارضای حس کنجکاوی خویش پی در پی چیزهایی از والـدین خود می پرسد و پاسخ آنها را می پذیرد و به آن عمل می کنـد. رفته رفته این پنـدار در کودک ایجاد می شود که همه چیز را باید از پدر و مادر آموخت. اگر این پندار در سـنین بعدی کودک رشد یابد، سبب می شود فرزند به والدین خویش و هر الگوی دیگری وابستگی فکری شدید پیدا کند، به گونه ای که کورکورانه در همه چیز از آنان تقلیـد کنـد. قرآن کریم در آیه های فراوانی، انسان ها را به تعقل، تفکر و تدبّر، تشویق کرده و از تقلید کورکورانه از والدین و بزرگان باز داشته است:

وَ إِذا قیـلَ لَهُمْ تَعـالَوْا إِلی مـا أَنْزَلَ اللّهُ وَ إِلَی الرَّسُولِ قـالُوا حَسْـبُنا مـا وَجَـدْنا عَلَیْهِ آباءَنـا أَ وَ لَوْ کانَ آباؤُهُمْ لا یَعْلَمُونَ شَـیْئًا وَ لا یَهْتَدُونَ. (مائده: ۱۰۴)(۱)

و چون به آنها گفته شود بیاییـد از حکم کتابی که خـدا فرسـتاد و از دسـتور رسول او پیروی کنیـد، گویند آن دینی که پدران خود را بر آن یـافتیم، ما را بس است. آیا بایـد همچنان از پـدران خود در صورتی که آنها مردم جاهلی بوده و به حق راه نیافته باشند، پیروی کنند؟

۱- نک: اعراف: ۲۸؛ یونس: ۵۳ و ۵۴ ؛ انبیا: ۷۴؛ شعرا: ۲۱؛ لقمان: ۲۲ و ۲۳.

فصل چهارم: راهکارهای مقابله با آفت های الگوها

اشاره

فصل چهارم: راهکارهای مقابله با آفت های الگوها

دانستیم که تقلید و همانندسازی مطلوب، از الگوهای مثبت، ضروری و شایسته است، ولی به شرط اینکه تقلید از الگوها با علم و آگاهی و از راه گزینش و انتخاب اصلح صورت گیرد. پیروی ناآگاهانه آفت های گوناگونی دارد که برخی را برشمردیم. حال پرسش این است که راهکارهای پیش گیری از آفت های تقلید نادرست و ناآگاهانه چیست؟

۱. راهکار بلندمدت

۱. راهکار بلندمدت

تردیدی نیست که انسان برای انجام عمل صالح به علم و آگاهی نیاز دارد و علم و آگاهی نیز با تفکر به دست می آید. در قرآن آیه های فراوانی وجود دارد که انسان را به تفکر، تعقل، بصیرت و معرفت دعوت می کند. بیان کلماتی مانند: «أَ فَلا تَعْقِلُونَ، أَ فَلا تُبْصِرُونَ، أَ فَلا يَتَدَبَّرُونَ» در آیه های قرآن، بهترین شاهد بر این ادعاست. افزون بر این، به طور خاص، قرآن، انسان ها را از تقلید به دور از تعقل، نهی کرده است:

وَ إِذا قيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللّهُ قالُوا بَلْ نَتَّبِعُ ما أَلْفَيْنا عَلَيْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ

کانَ آباؤُهُمْ لا یَعْقِلُونَ شَیْئًا وَ لا یَهْتَدُونَ. (بقره: ۱۷۰)(۱)

راهکـار اساسـی و دراز مـدت برای مقابله با تقلیـد ناآگاهانه، افزایش توان تفکر و تعقل مردم است؛ زیرا هرچه قـدرت تفکر و تعقل مردم بیشتر شود، تقلید و پیروی از الگوهای نادرست و ناشایست کمتر خواهد شد. اساسـی ترین و کارسازترین شیوه این است که قـدرت تفکر و تعقـل مردم را افزایش دهیم؛ یعنی به آنـان کمـک کنیم تـا دریابنـد که کمال حقیقی آدمی به اموری ماننـد: پول و ثروت، مقام و قـدرت و غیر آنها بسـتگی نـدارد. وانگهی اگر فردی در یکی از این زمینه ها موفق باشد، باز دلیل درسـتیِ نظریـه هـای او، در دیگر زمینـه هـا و همه رفتارهـای فردی و اجتمـاعی او نیست.(۲) افزایش قـدرت تفکر مردم سـبب خواهد شد که الگوهای راستین و شایسته، از الگوهای دروغین و ناشایست تشخیص داده شوند.

ثمره تفکر، اسـتقلال فکری افراد جـامعه به ویژه جوانـان است. در مقابل، نتیجه تفکر نکردن و نداشـتن قـدرت تجزیه و تحلیل، تقلید کورکورانه است. استاد شهید مرتضی مطهری درباره استقلال فکری می فرماید:

تبعیت از مـد و لبـاس و غـذا خوردن و گفتن بای بای و گودبای و اسم فرنگی روی بچه ها گذاشـتن، غـذای فرنگی خوردن و لباس فرنگی پوشیدن نشانه عدم استقلال فکری است. اهمیت ندادن به شعارهای ملی و دینی و پذیرفتن شعارهای دیگران دلیل بر عدم اسـتقلال فکری است. البته لازمه اسـتقلال فکری این نیست که از حقایق علمی دیگران یا تمدن خارجی استفاده نکنیم. علم، صـنعت و دین، وطن نـدارد. اسـتقلال فکر با اقتباس خوبی های ملل دیگر، منافات نـدارد. تاریـخ در قرآن، برای اقتباس و احتراز است: اقتباس از صفات عالی اخلاقی مانند: صبر، مقاومت،

۱- نک: بقره: ۱۷۰ و ۱۷۱؛ اعراف: ۲۸؛ یونس: ۵۳ و ۵۴؛ شعرا: ۷۴؛ لقمان: ۲۱؛ زخرف: ۲۲ و ۲۳.

۲- جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۲۲۴.

آزادگی و ایمان که وضع سعادتمندانه برخی ملل را بیان می کند و نیز احتراز از صفات بد، مانند: پیروی های کورکورانه، غرور، فساد و مانند اینها.(۱)

البته در این میان، باید دانست رشد تعقل و تفکر نیازمند زمان طولانی است. همچنین از آنجا که برخی مردم توان فهم و درک استدلال های عقلی برای تحصیل رشد تعقل و تفکر را ندارند. پس لازم است افزون بر راهکار دراز مدت یاد شده، از برخی راهکارهای کوتاه مدت نیز که زودتر نتیجه می دهد، استفاده کنیم.

۲. راهکارهای کوتاه مدت

اشاره

۲. راهکارهای کوتاه مدت

زیر فصل ها

الف) نکوداشت الگوهای مطلوب و حذف الگوهای نامطلوب

ب) بهره گیری شایسته از عواطف مردم

الف) نکوداشت الگوهای مطلوب و حذف الگوهای نامطلوب

الف) نکوداشت الگوهای مطلوب و حذف الگوهای نامطلوب

یکی از راهکارهای کوتاه مدت برای پیش گیری از آفت های تقلید، مقابله با الگوهای نامطلوب و معرفی و قدردانی از الگوهای مطلوب گذشته و حال جامعه است. بر همین اساس، اسوه پردازی و اسوه سازی که در ضمن آن به معرفی الگوهای مثبت و نکوهش الگوهای منفی پرداخته می شود، یکی از روش های مهم تربیتی است.(۲)

به دلیل اهمیت نقش الگوها در راهنمایی و تربیت انسان از دیدگاه اسلام، روش تربیتی اسوه پردازی و اسوه سازی در متون اصیل اسلامی، همچون قرآن و احادیث، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. قرآن به طور عام پیامبران الهی مانند حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را اسوه حسنه و مطلوب معرفی می کند: «قَدْ کانَتْ لَکُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فی إِبْراهیمَ وَ الَّذینَ مَعَهُ؛ در ابراهیم و کسانی که با او

۱- مرتضی مطهری، مقاله «استقلال فکری»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۴/۲/۱۳۸۱، ص ۹.

۲- نک: نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، صص ۱۰۱ _ ۱۰۴.

بودند، برای شما (مومنان) الگوی نیکو هست». (ممتحنه: ۴)

لَقَدْ کانَ لَکُمْ فی رَسُولِ اللّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ کانَ یَرْجُوا اللّهَ وَ الْیَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَکَرَ اللّهَ کَثیرًا. (احزاب: ۲۱)

در پیامبر خدا برای شما، برای کسانی که به خدای متعال و روز بازپسین امیدوارند و خدای متعال را بسیار یاد می کنند، الگوی نیکویی هست.

افزون بر این، گاهی قرآن به طور ویژه الگوهایی برای جوانان و جوان مردان معرفی کرده است که نمونه برجسته آن داستان «اصحاب کهف» است:

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحابَ الْکَهْفِ وَ الرَّقیم کانُوا مِنْ آیاتِنا عَجَبًا إِذْ أَوَی الْفِتْیَهُ إِلَی الْکَهْفِ فَقالُوا رَبَّنا آتِنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَهً وَ هَیِّئْ لَنا مِنْ أَمْرِنا رَشَدًا ... نَحْنُ نَقُصُّ عَلَیْکَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْیَهٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْناهُمْ هُدًی. (کهف: ۹ ــ ۱۰ و ۱۳)

ای رسول ما، تو پنداری که قصه اصحاب «کهف» و «رقیم» در مقابل این همه آیات قدرت و عجایب حکمت های ما واقعه عجیبی است. آن گاه که آن جوانان در غار کوه پنهان شدند، از درگاه خدا خواستند که بار الها، تو در حق ما به لطف خاص خود رحمتی عطا فرما و برای ما وسیله رشد و هدایت کامل را مهیا ساز... ما قصه آنان را برای تو به درستی حکایت خواهیم کرد. آنها جوان مردانی بودند که به خدای خود ایمان آوردند و ما بر مقام هدایتشان افزودیم.

افزون بر مردان و جوانان، قرآن با بیان الگوهای مثبت و منفی برای زنان، الگوهای مطلوب و نامطلوب را به آنان معرفی کرده است. برای نمونه، در مورد الگوهای منفی زنان در قرآن می توان به زن نوح و لوط اشاره کرد که قرآن به عنوان الگوی کافران از آنان یاد می کند:

ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً لِلَّذینَ کَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ کانَتا تَحْتَ عَبْدَیْنِ

مِنْ عِبادِنا صالِحَیْنِ فَخانَتاهُما فَلَمْ یُغْنِیا عَنْهُما مِنَ اللّهِ شَیْئًا وَ قیلَ ادْخُلاَ النّارَ مَعَ الدّاخِلینَ. (تحریم: ۱۰)

خدا برای کافران، زن نوح و زن لوط را مثال آورد که زیر فرمان دو بنده صالح ما بودند و به آنها خیانت کردند و آن دو شخص با وجود مقام نبوت نتوانستند آنان را از قهر خدا برهانند و حکم شد آن دو زن را با دوزخیان به آتش درافکنید.

در مقابل، در جانب الگوهای مثبت نیز زن فرعون و حضرت مریم، دختر عمران را به عنوان الگو مثال زده است:

وَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً لِلَّذینَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لی عِنْدَکَ بَیْتًا فِی الْجَنَّهِ وَ نَجِّنی مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنی مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمینَ وَ مَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتی أَحْصَنَتْ فَرْجَها فَنَفَخْنا فیهِ مِنْ رُوحِنا وَ صَدَّقَتْ بِکَلِماتِ رَبِّها وَ کُتُبِهِ وَ کانَتْ مِنَ الْقانِتینَ. (تحریم: ۱۱ و ۱۲)

و خدا برای مؤمنان، (آسیه) زن فرعون را مثل آورد هنگامی که عرض کرد: بار الها، (من از قصر فرعون و عزت دنیوی گذشتم) و تو خانه ای برای من در بهشت بنا کن و مرا از شرّ فرعون کافر و کردارش و از قوم ستم کارش نجات بخش و یاد آر حال مریم، دختر عمران را که رَحِمَش را پاکیزه داشتیم. آن گاه در آن از روح قدسی خویش دمیدیم که آن مریم، کلمات پروردگار خود و کتاب های آسمانی او را با کمال ایمان تصدیق کرد و از بندگان مطیع خدا بود.

همچنین بیان اوصاف مثبت و منفی عقیدتی، اخلاقی و رفتاری گروهی از مردم را می توان در راستای اسوه پردازی و اسوه سازی دانست. برخی صاحبان اوصاف مثبت در زمینه های عقیدتی، اخلاقی و عملی که قرآن به منظور اسوه سازی از آنها استفاده کرده است، عبارتند از: متقین، مؤمنین، صالحین، مخلصین، محسنین، مجاهدین، صابرین، مسلمین، صدیقین، متوکلین، توابین، مقسطین، مستغفرین،

متطهرین، مفلحین، صائمین، مصلّین، خاشعین، صادقین، قانتین، ذاکرین، مهتدین و اولوالالباب.(۱)

در مقابل، برخی صاحبان اوصاف منفی در زمینه های عقیدتی، اخلاقی و عملی را که قرآن با هدف اسوه پردازی و درس عبرت گرفتن انسان ها از آنها یاد کرده است، عبارتند از: کافرین، مشرکین، ظالمین، مفسدین، مسرفین، خائنین، مستکبرین، خاسرین، فاسقین، منافقین، جاهلین، ضالّین و معتدین.(۲)

در دیگر متون معتبر اسلامی، همچون کتاب های حدیثی، رجالی، تاریخی نیز بیان سرگذشت انسان های مطلوب و نامطلوب به چشم می خورد که برای اسوه پردازی آورده شده است.

معرفی الگوهای راستین به افراد جامعه و مبارزه با الگوهای دروغین، چنان اهمیت دارد که وقتی الگویی نادرست(۳) به جامعه معرفی می شود، رهبری چون حضرت امام خمینی رحمه الله وارد میدان می شود و بت های فکری و فرهنگی را درهم می شکند و با هشداری تاریخی، گوینده را از خطر ارتداد و اعدام برحذر می دارد.(۴)

در مورد الگوهای هنری و ورزشی نیز باید یادآوری کرد، به دلیل لذت بخش

۱- این اوصاف در قرآن به صورت مؤنث نیز به کار رفته است، مانند: مسلمات، مؤمنات، قانتات، فانتات، صادقات، صابرات، خاشعات، متصدقات، صائمات، حافظات، ذاکرات. نک: احزاب: ۳۵.
۲- نک: اصول و مبانی تعلیم و تربیت در قرآن، بخش هفتم چهره های محبوب و منفور قرآنی؛نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت با عنوان سیمای اسوه ها در آینه قرآن و سنت.
۳- در هشتم بهمن ۱۳۶۷ گفت وگویی از صدای جمهوری اسلامی ایران پخش شد که در آن، گفت وگو شونده گفت: الگوی زنان ما قهرمان سریال سال های دور از خانه اوشین است، نه فاطمه زهرا علیهاالسلام. برای آگاهی درباره شیوه اسوه پذیری از سیره فاطمه زهرا علیهاالسلام و اینکه چگونه از اسوه های تاریخی می توان الگو گرفت، نک: جامی از زلال کوثر، صص ۹۰ _ ۹۵.
۴- نک: صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۷۶.

بودن تفریح های مادی، این گونه الگوها بیشتر مورد توجه جوانان قرار می گیرند. بنابراین، در بحث معرفی الگوهای مطلوب، لازم است در الگوسازی هنری و ورزشی از طریق رسانه های مشاهده ای و دیداری بیشتر دقت شود.

پژوهش های مقایسه ای در جوامع گوناگون نشان می دهد که تماشای برنامه های ورزشی دارای زد و خورد و فیلم های خشونت آمیز تلویزیونی، رفتار پرخاش گرانه نوجوانان را در خانه، مدرسه و کوچه و خیابان به طور جدّی افزایش داده است. در مقابل، نمایش برنامه هایی که حاکی از گذشت، صداقت، شجاعت، خویشتن داری، محبت و سبقت در دوستی باشد، رفتارهای مطلوب را در ایشان بیشتر می سازد.(۱) تردیدی نیست که اگر سرمشق ها، رفتار مناسبی ارائه ندهند، نوجوان را نسبت به ارزش های اخلاقی، سست و حتی بی تفاوت می سازند. وجود این نمونه های عملی می تواند نوجوان را مؤمن سازد یا او را از راه به در بَرَد و گمراه کند.(۲)

ممکن است تماشاگران از رفتار، گفتار، اخلاق، مد لباس، رنگ لباس، کفش، کلاه و شیوه غذا خوردن مجریان برنامه درس بگیرند. هر بیننده ای الگوی خاصی را انتخاب می کند و رفتار ویژه ای را سرمشق خود قرار می دهد.(۳) اثرپذیری مردم از برخی برنامه های تلویزیونی مانند دو مجموعه طنز «زیر آسمان شهر» و «بدون شرح» بهترین مؤیّد این واقعیت است. البته در میان الگوها و سرمشق های گوناگون مثل: استادان، معلمان، خلبانان، فضانوردان، عالمان دینی، قهرمانان ورزشی و هنرمندان، قهرمانان ورزشی و هنری برای بخشی از جوانان جذابیت بیشتری دارند. به همین دلیل، لازم است الگوسازی در آنها با برنامه و دقت و ظرافت همراه باشد که

۱- غلام علی افروز، روان شناسی تربیتی کاربردی، صص ۱۵۰ و ۱۵۱.

۲- احمد احمدی، روان شناسی نوجوانان و جوانان، ص ۶۱ .

۳- ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، صص ۱۱۴ و ۱۱۵.

متأسفانه بعضی وقت ها این گونه نیست.

درباره میزان اثرگذاری هنرهای دیداری مثل تلویزیون و سینما، همین بس که الگوسازی در قالب هنر به ویژه هنرهای دیداری می تواند زیباترین و مقدس ترین ارزش ها را به جامعه منتقل کند. کارگردان فیلم محمد رسول اللّه صلی الله علیه و آلهدرباره تأثیر این فیلم در آفریقا می گوید:

تأثیر فیلم در میان جمعیت فوق العاده بود به ویژه آنجا که چهره بلال سیاه پوست روی پرده می آمد. همه تماشاچیان یک صدا هلهله می کردند و فریاد می زدند. یکی از رؤسای جمهور (سرهنگ قذافی) که از تماشاگران صحنه بود، چنین گفت: نقش سینما (فیلم) از تانک هم پرقدرت تر است.(۱)

نقش الگویی قهرمان ها در هنرهای دیداری، به اندازه ای است که گاه افراد ناخودآگاه می کوشند مانند قهرمان مورد علاقه خود حرف بزنند و رفتار کنند. برای مثال، آنتونی کوئین که در فیلم محمدرسول الله صلی الله علیه و آله در نقش حمزه سیدالشهداء بازی کرده است، چنان تحت تأثیر حمزه علیه السلامقرار گرفته بود که در نهایت مسلمان شد. وی می گوید:

من قبل از بازی برای فیلم، کتاب های زیادی در مورد حمزه علیه السلام خواندم تا بتوانم نقش او را به خوبی بازی کنم. اکنون که بیست سال از بازی گذشته است، جاذبه شخصیت حمزه چنان است که گویی همیشه با من است. من فیلم های زیادی بازی کرده ام، ولی هیچ کس مانند حمزه در من تأثیر نداشته است. رفتارهای من ناخودآگاه تحت تأثیر شخصیت اوست و به همین دلیل، مسلمان شدم.(۲)

۱- فغفور مغربی، مقاله «نقش الگوها در زندگی جوانان»، مجله نگاه حوزه، ش ۴۸، ۴۹ و ۵۰ ، صص ۷۲ و ۷۳.

۲- همان.

با توجه به همین واقعیت انکار ناشدنی تأثیر گسترده فیلم ها به ویژه فیلم های مذهبی، می بینیم که در قرآن، بارها و بارها از قالب هنری داستان استفاده شده است. بدون تردید، تبدیل داستان های تربیتی و آموزنده قرآن در قالب هنر جذاب فیلم های نمایشی، از نظر الگوسازی و الگوپذیری، اثر گسترده ای بر مردم به ویژه جوانان دارد. استقبال گسترده مردم از فیلم های مذهبی و دینی مانند: سریال امام علی علیه السلام، مردان آنجلس، تنهاترین سردار، ولایت عشق و مریم مقدس، بهترین مؤید آن است.

ب) بهره گیری شایسته از عواطف مردم

ب) بهره گیری شایسته از عواطف مردم

افزون بر معرفی الگوها، لازم است گاهی از ویژگی ها و عواطف روانی و اجتماعی مردم تا آن مقدار که صحیح و حق است، بهره برداری شایسته کرد. تأثیر این گونه بهره گیری ها در تکوین و تغییر شخصیت افراد، به مراتب بیشتر و سریع تر از تأثیری است که ادله صرفا عقلی بر جای می گذارند. به همین دلیل، قرآن و پیامبر اسلام برای افزایش آگاهی مردم، کمتر از برهان های عقلی عمیق و پیچیده استفاده کرده و بیشتر از احساسات و عواطف صحیح مردم بهره گرفته اند.

برای مثال، هنگامی که پیامبر گرامی اسلام به رسالت برانگیخته شد، جامعه عرب از چهار گروه حنفا،(۱) یهودیان، نصارا و مشرکان بت پرست تشکیل شده بود. چون یکی از وجوه اشتراک مهم این چهار گروه، انتساب آنها به حضرت ابراهیم علیه السلام بود، پیامبر گرامی اسلام از این وجه اشتراک به درستی بهره برداری کرد و در راه ترویج و اشاعه دعوت خود از آن سود فراوان جست. به همین دلیل، قرآن کریم، هشت بار از «ملّه ابراهیم» (یعنی کیش و آیین ابراهیم) سخن به میان می آورد.(۲)

مثال تاریخی دیگر، استفاده امام خمینی رحمه الله از احساسات و عواطف دینی مردم

۱- حنفاء: آبا و اجداد پیامبر اسلام بودند که خود را پیرو دین حضرت ابراهیم علیه السلامی دانستند.

۲- جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۲۲۵.

و عشق و علاقه آنها به امام حسین علیه السلامو مراسم عزاداری آن حضرت برای ایجاد انقلاب اسلامی و ستم ستیز ایران بر ضد دستگاه طاغوت شاهنشاهی است. ایشان از وجود روحانیت به عنوان سربازان فکری و فرهنگی خود بهره برد. همچنین در سخنرانی های محرم و صفر، حکومت شاهنشاهی را با حکومت معاویه و یزید مقایسه کرد. آن رهبر بزرگ به مردم ایران یاد داد که همانند امام حسین علیه السلامو یارانش در مقابل طاغوت سکوت نکنند. مردم نیز سکوت نکردند و تحریک احساسات و عواطف دینی مردم و افزایش معرفت دینی آنان به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید.

امروز که استکبار جهانی برای پیش گیری از استمرار انقلاب اسلامی، چنگ و دندان نشان می دهد، طرح شعار «عزت و افتخار حسینی» از سوی رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت اللّه خامنه ای، نمونه دیگری از استفاده صحیح از احساسات دینی مردم است.

نکته مهمی که در هر دو راه حل باید بدان توجه کرد، هماهنگی و یکپارچگی همه نهادهای فرهنگی در تبلیغ الگوهای فکری و رفتاری مطلوب و حذف الگوهای نامطلوب است، همان گونه که در جهاد نظامی، همت و اراده و برنامه ریزی واحد و هماهنگ لازم است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این زمینه فرموده است: «یکون همّهم هما واحدا فی جهاد العدو.»(۱) بدون تردید، در جهاد فرهنگی علیه هجوم فرهنگی دشمن، بر ضد جوانان نیز مراکز فرهنگی باید هماهنگ عمل کنند. امام علی علیه السلام نیز در این زمینه فرموده است: «از شکستن اصول اخلاقی و دگرگون کردن آنها بپرهیزید و زبان را هماهنگ قرار دهید».(۲)

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- همان، خطبه ۱۷۶.

اگر افراد جامعه به ویژه قشر جوان که اثرپذیری فرهنگی آنها بیشتر است، در برخورد با نهادهای فرهنگی، با صداها و شعارها و عملکردهای متفاوتی روبه رو شوند، نسل جوان دچار تناقض می شود. اگر نهاد فرهنگی خانواده، افکار و رفتار ویژه ای را به کودکان و فرزندان القا کند؛ نهاد مدرسه نیز افکار و هنجارهای دیگری را به جوان بیاموزد و رسانه های گروهی مثل صدا و سیما و مطبوعات، افکار و هنجارهای متفاوت دیگری را تبلیغ کنند، مردم و نسل جوان دچار تعارض های الگویی و رفتاری می گردند. این واقعیت تلخ که به دلیل ناهماهنگی و سیاست گذاری چندگانه در مقوله فرهنگ در جامعه ما وجود دارد، تعلیم و تربیت صحیح و عمیق نسل آینده را به شدت تهدید می کند.

به نظر می رسد یکی از علل مهم این آشفته بازاری، تئوریزه نشدن دقیق و عمیق مسائل فرهنگی از سوی نخبگان جامعه است؛ زیرا نبود ایدئولوژی مسلط و حاکم، زمینه را برای برخوردهای سلیقه ای و متفاوت به ویژه در مسائل فرهنگی فراهم می کند.

به همین دلیل، به نظر روان شناسان، مهم ترین عامل ایجاد کننده اطاعت داوطلبانه، پذیرش یک ایدئولوژی مسلط از سوی فرد است. این ایدئولوژی به اقتدار فرد مسئول رسمیت می بخشد و پیروی از دستورهای او را توجیه می کند. سربازان امریکایی که در ویتنام از دستور تیراندازی به سوی غیر نظامیان دشمن اطاعت می کردند، پیشاپیش، خود را تسلیم این عقیده کرده بودند که امنیت ملی مستلزم اطاعت بی چون و چرا از دستورهای نظامی است.(۱)

بنابراین، نبود ایدئولوژی قوی ومستدل و مسلط که بتواند به تئوریزه کردن مسائل فرهنگی بپردازد، می تواند ناهنجاری های فکری و رفتاری را در مقوله فرهنگ شدت بخشد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در حدیثی، برخی از این ناهنجاری ها را بیان

۱- زمینه روان شناسی، ج ۲، ص ۳۹۹.

می کند و ثمره بروز چنین ناهنجاری هایی را پیروی نکردن از الگوهای شایسته و روی آوردن به تکروی و خودپیروی دانسته است:

فَیا عَجَبا وَ مَالِیَ لاَ اَعْجَبُ مِنْ خَطَأ هـذِهِ الْفِرَقِ عَلَی اخْتِلاَفِ حُجَجِها فِی دِینِهَا لاَ یَقْتَصُّونَ اَثَرَ نَبِیٍّ وَ لاَ یَقْتَدُونَ بِعَمَلِ وَصِیٍّ وَ لاَ یُؤمِنُونَ بِغَیْبٍ وَ لاَ یَعِفُّونَ عَنْ عَیْبٍ یَعْمَلُونَ فِی الشُّبُهَاتِ وَ یَسیرُونَ فِی الشَّهَواتِ اَلْمَعْرُوفُ فِیهِمْ ما عَرَفُوا وَ الْمُنْکَرُ عِنْدَهُم ما اَنْکَرُوا مَفْزَعُهُم فِی الْمُعْضِلاتِ اِلی اَنْفُسِهِمْ وَ تَعْوِیلُهُم فِی الْمُهِمّاتِ عَلی آرائِهِمْ کَاَنَّ کلّ امْرِی ءٍ مِنْهُم اِمامُ نَفْسِهِ قَدْ اَخَذَ مِنْها فِیمَا یَرَی بِعُرًیً ثِقاتٍ وَ اَسْبابٍ مُحْکَماتٍ.(۱)

پس شگفتا! و چگونه به شگفت نیایم از خطا و اشتباه کاری این فرقه های گوناگون که دلیل های ایشان در دینشان با یکدیگر اختلاف دارد. از سنّت پیامبری پیروی نمی کننـد، به کردار وصیّی اقتدا نمی کنند و ایمان به غیب نمی آورند و از زشتی نمی پرهیزنـد. به شبهه ها عمل می کننـد و از خواهش های نفس پیروی می کننـد. معروف و پسندیده نزد ایشان چیزی است که خودشان نیکو شناخته اند و منکر و ناشایست پیش آنها چیزی است که خودشان بد دانسته باشند.

در مشکلات، پناه گاهاشان خودشان هستند و در امور پیچیده و پوشیده اعتمادشان بر رأی های (نادرست) خودشان است. گویا هر فردی از ایشان در آنچه می بیند، پیشوای خود است که بندهای استوار و دلایل محکم از خوش گرفته است.

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۸۷، ص ۲۱۹. برای آگاهی از شرح و تفسیر این خطبه نک: شرح های متعدد نهج البلاغه؛ مجله معرفت، ش ۵۶، صص ۴ _ ۶ ؛ محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق و عرفان اسلامی.

فصل پنجم: همراه با برنامه سازان

اشاره

فصل پنجم: همراه با برنامه سازان

نقش حساس صدا و سیما در الگودهی و اثرگذاری بر شخصیت نوجوانان در سخنان مقام معظم رهبری، چندان مهم و اساسی است که اشاره به چند مورد، گویای این دغدغه اساسی است:

رسانه های جمعی در همه جای دنیا یکی از حساس ترین مراکز به شمار می روند؛ زیرا دستگاه تبلیغاتی و وسیله عمومی مانند صدا و سیما، همواره با مردم همراه است و باید گفت هرعملی که در این رسانه انجام شود، آثارش به زودی در جامعه دیده خواهد شد.(۱)

صدا و سیما و روزنامه ها نباید همواره برای جوان، الگوی یک جوان اشرافی بی دردِ تن به راحت داده عیاش را مطرح کنند. بعضی از مطبوعات نباید در فلسفه بافی های خود طوری حرف بزنند که جوان خیال کند همه هدف انسان این است که از هر راهی شد، یک مشت پول به دست آورد. اگر توانست یک گواهی علمی برای خودش فراهم کند، وسیله ای برای پول در آوردن در دستش هست. اگر نشد، هر راه دیگری

۱- امیر حسین بانکی پورفرد و احمد قماشچی، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۳۵۴.

که شد، ولو قاچاق، ولو تن دادن به ذلت و خفت و اهانت، ولو با دستبرد زدن به این و آن. نباید پول را عمده کرد. پول ارزش نیست. هدف، در آوردن پول نیست. پول یک وسیله برای گذران زندگی است. پول خیلی کوچک تر از این است که هدف انسان بشود. برای جوان، الگو را یک الگوی غلط قرار ندهند تا او احساس کند که به جای استعداد و ابتکار و تلاش فراوان و کسب تخصص و علم، باید سراغ پول رفت.(۱)

شما می دانید که جوانان در دنیا چگونه اند. گروه های رپ و فلان و هزار جور بلیّه اخلاقی و فکری. جوانان دنیا واقعا به هزار جور ابتلائات مبتلاـ هستند. گروه های رپ و این چیزهایی که حالاـ هست، زمان ما هم البته بود. زمان ما «بیتل»های معروف بودند که حالا شنیده ام پیرمرد شده اند. آن گرفتاری های روحی، آن عقده های روانی، آنها را به این چیزها می کشاند. حالا کسانی که در کشورهای عقب افتاده و دوردست از آنها تقلید می کنند، نمی فهمند که آن بیچاره ها دچار چه بیماری هستند. خیال می کنند که پیشرفتی است، در حالی که این یک انحطاط و سقوط است.(۲)

سرگرم کردن جوان ها به چیزهایی که جوان های دنیا پیش از جوان های ما به آنها سرگرم شدند و امروز دارند تاوانش را پس می دهند، کمک به نسل جوان این کشور نیست. عده ای سعی می کنند جوان ایرانی را به بهانه های گوناگون به سمت مسائل سرگرم کننده به موسیقی های مضرّ، به سرگرمی های جنسی و از این قبیل سوق دهند. این همان لجن زاری است که جوان غربی و جوان امریکایی و اروپایی را در خودش دارد، غرق می کند. این چیز تقلیدکردنی نیست. در مقابل این بایستید.(۳)

ص: ۸۵

۱- سیدوحید معتمدی و دیگران، دیدگاه ها در زمینه آسیب شناسی تربیت دینی، صص ۳۹ و ۴۰.

۲- امیرحسین بانکی پورفرد، احمد قماشچی، کودک، نوجوان و جوان از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۱۵۷.

۳- همان، صص ۱۷۸ و ۱۷۹.

بدون تردید، اصلاح هر جامعه ای تنها با تربیت افراد آن جامعه ممکن است که این کار نیز به استفاده از روش های تربیتی نیاز دارد. در این نوشتار آشکار شد که یکی از مهم ترین روش های تربیت انسان، روش تربیتی الگویی است. روش تربیت الگویی بر اساس مشاهده عملکرد الگوها و یادگیری مشاهده ای تحقق می پذیرد. از آنجا که یادگیری افراد جامعه از رسانه ملی نیز بر اساس یادگیری مشاهده استوار است، می توان گفت روش تربیتی رسانه های تصویری مثل سینما و تلویزیون، از نوع روش تربیتی الگویی است. با توجه به اینکه بیشتر یادگیری های انسان ها از طریق یادگیری مشاهده ای و بر اساس روش تربیتی الگویی از رسانه های تصویری صورت می گیرد، لازم است یک بار دیگر به اهمیت صدا و سیما در تربیت افراد جامعه توجه کنیم. به همین دلیل، استفاده از برجسته ترین و قوی ترین دانشمندان در رشته های علمی همچون جامعه شناسی، روان شناسی، روان شناسی اجتماعی، روان شناسی یادگیری، علوم ارتباطات در تهیه و تدوین برنامه های رسانه های دیداری ضروری است. همچنین لازم است آموزه های دینی و لزوم تقلید از الگوهای اسلامی و قرآنی را در قالب های جذاب و نوین مثل فیلم، سریال و کارتون تهیه و پخش کنیم.

پیشنهادهای برنامه سازی

پیشنهادهای برنامه سازی

۱. الگودهی و الگونمایی از سوی دستگاه ها و نهادهای فرهنگی و تبلیغاتی جامعه مانند: صدا و سیما، آموزش و پرورش، دانشگاه ها، مساجد، مطبوعات، سینما، باشگاه های ورزشی، تمام اقشار، گروه ها و اصناف و طبقات سنی را شامل می شود؛ چون هر طبقه و گروه اجتماعی دارای ویژگی های روحی و خصلت های ویژه ای هستند که تنها با الگوی ویژه خود ارتباط پیدا می کنند. مثلاً یک الگوی کودک نمی تواند برای گروه سنی جوانان، الگو دانسته شود.

۲. رسانه های گروهی مثل صدا و سیما و مطبوعات باید با توجه به جذابیت و

گستره نفوذشان در شخصیت جوانان، نخست الگوهای ارزنده و متعالی را شناسایی کنند. سپس در قالب فیلم، سریال یا گفت وگو آن را بشناسانند. به این ترتیب، نیاز شدید نسل جوان به الگوطلبی، درست ارضا می شود. در این زمینه، با توجه به گرایش جوانان به الگوها در حیطه های مختلف، لازم است الگوها و انسان های موفق در زمینه های گوناگون علمی، معنوی، هنری، فنی، ورزشی معرفی شوند. طبیعی است معرفی به صورت گفت وگو و بیان تجربه های موفقیت آمیز نیز تأثیر فراوانی دارد.

۳. با توجه به هجوم گسترده فرهنگی غرب، امروزه تبیین عناصر فرهنگ خودی به زبان مورد پسند و در قالب های مورد قبول جوانان مانند: داستان، فیلم، عکس، ورزش، ضروری تر از هر زمان دیگری است و برنامه ریزان و مسئولان فرهنگی جامعه باید به آن توجه کنند. تردیدی نیست که دور شدن جامعه از فرهنگ اسلامی و ملی، راه را برای نفوذ فرهنگ بیگانه و الگوهای غربی هموار می کند.

۴. اطرافیان جوان همچون والدین، اولیا و مربیان مدارس و استادان دانشگاه ها، نزدیک ترین و مؤثرترین افراد برای او به شمار می آیند؛ زیرا جوان برای دست یابی به الگوی مطلوب، ابتدا به رفتار نزدیک ترین انسان هایی که پیرامونش هستند، دقت می کند و می کوشد آنها را در شخصیتش جای گزین کند. بنابراین، لازم است همه ما چنان باشیم که صلاحیت لازم را برای الگو بودن نسل جوان به دست آوریم.(۱)

۵. نوشتن کتاب در شرح حال الگوهای موفق در زمینه های گوناگون، در الگوسازی برای جوانان بسیار مفید است. در این زمینه برای نمونه، می توان به مجموعه «آشنایی با اسوه ها» در زمینه شرح حال اصحاب و یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهو ائمه اطهار علیهم السلام نوشته جناب آقای جواد محدثی و مجموعه «دیدار با

۱- محمدرضا شرفی، جوان و نیروی چهارم زندگی، ص ۲۵.

ابرار» در زمینه شرح حال دانشمندان اسلامی منتشر شده از سوی پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام اشاره کرد. همچنین لازم است دایره المعارف های زیبا و جامع در زمینه معرفی الگوها در قلمروهای مختلف تدوین شود. ما که خواهان ترویج فرهنگ شهادت و ایثار در میان جوانان هستیم، آیا تاکنون دایره المعارف زیبا و جذابی از الگوهای ایثار و شهادت در دوران جنگ و انقلاب اسلامی تدوین کرده ایم؟

۶ . با توجه به علاقه زیاد جوانان به الگوهای هنری و ورزشی، پیشنهاد می شود نسبت به تربیت صحیح الگوهای ورزشی و هنری مطلوب، برنامه ریزی صحیح صورت گیرد تا نسل آینده، الگوهای شایسته و مطمئنی در زمینه های هنری و ورزشی داشته باشند.

۷. در کنار معرفی الگوهای مطلوب و موفق، لازم است با الگوهای نامطلوب به ویژه افرادی که با دست زدن به جرایم مشهود، مقدمات بزه کاری نسل جوان را فراهم می کنند، برخورد جدّی و قاطع صورت گیرد. یکی از مؤثرترین انواع یادگیری، یادگیری از طریق مشاهده است که در هر دو بعد مثبت و منفی صورت می گیرد. بی تردید، با توجه به پی آمدهای منفی روحی و روانی جرایم مشهود در جوانان، برخورد جدی با این گونه جرایم، زمینه ارتکاب آن را در دیگران به شدت کاهش می دهد.

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. چرا جوانان بیشتر از ورزش کاران و هنرمندان الگو می پذیرند؟

۲. چرا جوانان از حرف ها و کارهای غیر ورزشی و غیر هنری ورزش کاران و هنرمندان نیز تقلید می کنند؟

۳. راه های شناساندن الگوپذیری صحیح و معرفی الگوهای شایسته به جوانان چیست؟

۴. موارد الگوپذیری مردم از رسانه های تصویری و گروهی مثل صدا و سیما،

اینترنت و مطبوعات چیست؟

۵. چرا بین الگوهای جوانان و الگوهای بزرگ سالان و کهن سالان تفاوت و فاصله وجود دارد؟

۶. چگونه می توان جوانان را با الگوهای اسلامی و قرآنی بیشتر آشنا کرد؟

۷. چگونه می توان از طریق نخبگان و دانشمندان جامعه، به شکل گیری و پیدایش الگوهای علمی فرزانه در بین جوانان کمک کرد؟

۸. چرا برخی جوانان در آرایش و پوشش از الگوهای غربی تقلید می کنند؟

۹. اثرپذیری از الگوهای غربی در میان چه تیپ هایی از جوانان بیشتر است؟

۱۰. برای مقابله با عوارض منفی تقلید جوانان از الگوهای غربی، چه راهکارهایی پیشنهاد می کنید؟

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. تقلید و الگوپذیری از اسوه ها به چه معنی است؟

۲. مراحل تقلید از الگوها چیست؟

۳. حیطه های ضروری تقلید از الگوها چیست؟

۴. گونه های تقلید نادرست و کورکورانه چیست؟

۵. گونه های تقلید درست و معقول چیست؟

۶. روش تربیتی الگوپذیری در بین دیگر روش های تربیتی از چه جایگاه و اهمیتی برخوردار است؟

۷. شرایط و ویژگی های الگوهای صحیح و قابل تقلید چیست؟

۸. حد و مرز رابطه صحیح بین الگو و الگوپذیر (اسوه و متأسی) چیست؟

۹. نقش الگوها در تغییر نگرش ها و گرایش های افراد جامعه چیست؟

۱۰. اصول صحیح حاکم بر جامعه الگوی اسلامی چیست؟

معرفی برخی منابع درباره الگوها

معرفی برخی منابع درباره الگوها

۱. مصطفی عباسی مقدم، اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۲. هادی حسینی خانی، تربیت الگویی زنان در قرآن، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۳. محمدتقی مصباح یزدی، جامی از زلال کوثر،(۱) تحقیق و نگارش: محمدباقر حیدری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۴. مصطفی عباسی مقدم، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۵. محمدتقی مصباح یزدی، نقش تقلید در زندگی انسان،(۲) قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۱- در این کتاب مباحث مختلفی درباره الگوسازی و اسوه بودن حضرت زهرا علیهاالسلام، بیان شده است.

۲- این کتاب به جدیدترین شبهه های برخی روشن فکران درباره تقلید از علمای دینی، به طور مستدل و منطقی پاسخ داده است.

کتاب نامه

اشاره

کتاب نامه

زیر فصل ها

کتاب

نشریه

کتاب

کتاب

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. آلن مارلت، جی و مارتا آ پری، روان شناسی تقلید (روش های الگو گزینی)، ترجمه: سیامک رضا مهجور و پروین غیاثی جهرمی، شیراز، انتشارات راهگشا، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۲. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، التحقیق، مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۳. احمدی، سیداحمد، روان شناسی نوجوانان و جوانان، اصفهان، انتشارات مشعل، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.

۴. استادی، رضا، امامت در چند درس، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۶۱.

۵. اسدی گرمارودی، محمد، درس هایی از تربیت انسانی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا، چاپ پنجم، ۱۳۷۹.

۶. افروز، غلام علی، چکیده ای از روان شناسی تربیتی (کاربردی)، تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۷. ________________، روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۱.

۸. ________________، مباحثی در روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و

مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۱.

۹. امینی، ابراهیم، آیین تربیت، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۶۸.

۱۰. ______________________ ، اسلام و تعلم و تربیت، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.

۱۱. ______________________ ، بررسی مسائل کلی امامت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۵۰.

اول، ۱۳۸۰.

۱۲. باقری، خسرو، آسیب و سلامت در تربیت دینی، (کتاب ششم تربیت اسلامی ویژه آسیب شناسی تربیت دینی)، تهران، نشر تربیت اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۳. ______________________ ، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه، چاپ سوم، ۱۳۷۴.

۱۴. باندورا، آلبرت، نظریه یادگیری اجتماعی، ترجمه: فرهاد ماهر، شیراز، راهگشا، چاپ اول،

۱۳۷۲.

۱۵. بانکی پورفرد، امیرحسین و احمد قماشچی، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، نشر تربیت اسلامی وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۶. بانکی پورفرد، امیرحسین و احمد قماشچی، کودک، نوجوان و جوان از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، نشر تربیت اسلامی وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۷. حاجی ده آبادی، محمدعلی، آسیب شناسی روش اسوه پردازی در تربیت دینی، (کتاب ششم تربیت اسلامی ویژه آسیب شناسی تربیت دینی)، تهران، نشر تربیت اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۸. حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول، انتشارات علمیه اسلامیه.

۱۹. رازی، ابوالفتوح، تفسیر ابوالفتح، تصحیح: الهی قمشه ای، شرکت تضامنی علمی، چاپ دوم، ۱۳۲۰.

۲۰. رشیدپور، مجید، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی (با تأکید بر روش ها)، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۲۱. ______________، روش های تربیتی، تهران، واحد انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۲۲. سادات، محمدعلی، راهنمای پدران و مادران (جلد اول: شیوه های برخورد با نوجوانان)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.

۲۳. سلیمی، علی و محمد داوری، جامعه شناسی کج روی، زیر نظر: صدیقی اورعی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۲۴. سیف، علی اکبر، روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش)، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.

۲۵. شرفی، محمدرضا، جوان و نیروی چهارم زندگی، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۲۶. شیخ طوسی، محمدبن حسن، الفهرست، قم، منشورات الشریف الرضی.

۲۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، اجتهاد و تقلید در اسلام و شیعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ شده در ضمن کتاب «بحثی درباره مرجعیت و روحانیت» مجموعه مقالات.

۲۸. ____________________ ، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۹۳ ه . ق.

۲۹. طبرسی، ابن منصور احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، بیروت، لبنان، منشورات، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۳ه . ق.

۳۰. عباسی مقدم، مصطفی، اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.

ص: ۹۲

۳۱. ____________________ ، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۳۲. فرهادیان، رضا، اصول و مبانی تعلیم و تربیت در قرآن، قم، دفتر نشر الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۳۳. قائمی امیری، علی، خانواده و تربیت کودک، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۳۴. ____________________ ، زمینه تربیت، تهران، انتشارات امیری، چاپ هفتم، ۱۳۷۰.

۳۵. قطب، محمد، روش تربیتی اسلام، ترجمه: سیدمحمد مهدی جعفری، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۵۳.

۳۶. کاویان، محمد، ارزش یابی مفاهیم روان شناسی اجتماعی از دیدگاه قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان شناسی، قم، مؤسسه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.

۳۷. کلاین برگ، اتو، روان شناسی اجتماعی، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران، نشر اندیشه، چاپ دهم، ۱۳۷۰.

۳۸. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.

۳۹. مبارک الجزری، ابی السعادات (المعروف بابن الاثیر)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.

۴۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، مؤسسه الوفا، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه . ق.

۴۱. محمدی ری شهری، محمد، فلسفه امامت و رهبری، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲.

۴۲. ____________________ ، مبانی شناخت، قم، انتشارات دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۴۳. ____________________ ، میزان الحکمه، قم، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، المطبعه الاولی، ۱۳۶۳.

۴۴. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، تهران، معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۵.

۴۵. ____________________ ، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۴۶. ____________________ ، جامی از زلال کوثر، تحقیق و نگارش: محمدباقر حیدری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۴۷. ____________________ ، نقش تقلید در زندگی انسان، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۴۸. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، قم، انتشارات صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.

۴۹. مظلومی، رجب علی، جوان و دین، تهران، نشر آفاق، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

۵۰. معتمدی، سید وحید و دیگران، دیدگاه ها در زمینه آسیب شناسی تربیت دینی، تهران، انتشارات عابد، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۵۱. مفید، ابی عبدالله محمد، کتاب الامالی، قم، منشورات جماعه المدرسین فی حوزه العلمیه، ۱۴۰۳ ه . ق.

۵۲. منصور، محمود، روان شناسی ژنتیک تحول روانی از کودکی تا پیری، تهران، نشر ترمه، چاپ ششم، بی تا.

۵۳. موسوی خمینی، سیدروح الله، صحیفه نور، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی با همکاری انتشارات سروش، چاپ اول،۱۳۶۹.

۵۴. مهدی زاده، حسین، آیین عقل ورزی (پژوهشی در باب جایگاه عقل در تربیت از دیدگاه امام موسی کاظم علیه السلام در روایت هشام بن حکم، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۵۵. ناظم زاده قمی، سیداصغر، جلوه های حکمت (گزیده موضوعی کلمات امیرالمؤمنین علی علیه السلام)، قم، دفتر نشر الهادی، چاپ اول،۱۳۷۳.

۵۶. نوابی نژاد، شکوه، سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، ۱۳۷۳.

۵۷. نهج البلاغه، ترجمه های صبحی صالح، عبده و فیض الاسلام.

نشریه

نشریه

۱. دانشور، فؤاد، مقاله «شریعتی و نقد دموکراسی»، کتاب نقد، فصل نامه انتقادی، فلسفی، فرهنگی، شماره مسلسل ۲۱، زمستان ۱۳۸۰.

۲. ذاکری، علی اکبر، مقاله «اعلمیت و مرجعیت»، مجله حوزه، شماره ۵۶ و ۵۷ (ویژه مرجعیت)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.

۳. رستمی زاده، رضا، مقاله «الگوی های تربیتی در قرآن»، مجله معرفت، شماره ۶۹، شهریور ۱۳۸۲.

۴. رستمی، علی اکبر، مقاله «جایگاه اکثریت در نظام اسلامی و دموکراسی»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، فصل نامه پژوهشی در زمینه علوم انسانی (ویژه نامه علوم قرآنی)، سال اول،

ص :۹۴

شماره اول، پاییز ۱۳۸۰.

۵. رضوی، سیدعباس، مقاله «علل اوج و فرود گرایش دینی»، قم، مجله حوزه، شماره ۵۸، مهر و آبان ۱۳۷۲.

۶. شرفی، حسین، مقاله «مرجعیت و شایستگی های اخلاقی»، مجله حوزه، شماره ۵۶ و ۵۷ (ویژه مرجعیت)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.

۷. فدایی، فرید، مقاله «روان شناسی فوتبال حرفه ای»، روزنامه کیهان، ۸ مرداد ۱۳۸۱.

۸. قائمی مقدم، محمدرضا، مقاله «روش الگویی در تربیت اسلامی»، مجله معرفت، شماره ۶۹، شهریور ۱۳۸۲.

۹. مطهری، مرتضی، مقاله «استقلال فکری»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۱.

۱۰. مغربی، فغفور، مقاله «نقش الگوها در زندگی جوانان»، مشهد، مجله نگاه حوزه، شماره ۴۸ _ ۴۹ _ ۵۰.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹